

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# ویتامین گرامر

مؤلف: سهیل سماواتی یار (سام)

انتشارات: جنگل

ویرایش جدید / چاپ دوم

سرشناسه : سماواتی یار (سام)، سهیل، ۱۳۶۹ -  
 عنوان و نام پدیدآور : ویتامین گرامر / مؤلف: سهیل سماواتی یار (سام)  
 مشخصات نشر : تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۷  
 مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۹۶۰-۹  
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا  
 موضوع : زبان انگلیسی - - دستور - - راهنمای آموزشی (متوسطه)  
 موضوع : English Language- - Grammar- - Study and :  
 Teaching (Secondary)  
 موضوع : زبان انگلیسی - - دستور - - آزمون ها و تمرین ها (متوسطه)  
 موضوع : English Language- - Grammar- - Examinations, :  
 Questions, etc. (Secondary)  
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ و ۸۰/۱۱۳ PE  
 رده بندی دیویی : ۴۲۸/۲۴۴ :  
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۵۱۱۰۷۶



عنوان کتاب: ویتامین گرامر (جلد اول)

مؤلف: سهیل سماواتی یار (سام)

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظر فنی: امین لشکری ویراستار: افسانه یوسفی

طراحی جلد: محمد سمیعی

صفحه آرای: مهر گرافیک [www.admehr.com](http://www.admehr.com)

نوبت و سال چاپ: دوم، زمستان ۱۳۹۸


قطع و تیراژ: رقعی، ۱۰۰۰ عدد

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۹۶۰-۹

<http://jangal.com>

[email: info@jangal.com](mailto:info@jangal.com)

 Soheyl-english

تلفن: ۵۴۱۱۳ - ۶۶۴۹۰۴۶۵ - ۶۶۴۹۰۳۸۲ - ۰۲۱

۰۳۱ - ۳۳۲۰۵۰۶۷ - ۳۳۲۰۳۸۰۰ - ۹

ارتباط با مؤلف: ۰۹۳۷-۸۸۴۴۰۳۸

«حق چاپ برای مؤلف محفوظ است»

## درباره ی کتاب

سلام!

سهیل سام هستم، مدرس زبان انگلیسی!

حدود دو سال پیش بود که بعد از هشت سال تدریس، شروع کردم به جمع آوری یه سری نکات که کاربردی و جالب بودن. نکاتی که میدیدم سر کلاسها برای بچه‌ها جالب و مفیدن. نکاتی که در حین تدریس متوجه میشدم چقدر کاربردی و همه‌جا تدریس نمیشه. خلاصه شروع کردم به جمع آوری این نکات به زبان ساده و خودمونی. یعنی راحت و خودمونی برای خودم این نکات رو یادداشت میکردم. آروم آروم به تعداد این نکات اضافه میشد. سر کلاس که درس میدادم تا میدیدم که عجب این نکته برای بچه‌ها چقدر جالب بود، چه استقبالی شد، چه کاربردهایی داره، شب میومدم خونه و برای خودم اون نکات رو می نوشتم. خلاصه این کار دو سال طول کشید و البته هنوز هم ادامه داره. چند وقت پیش با خودم فکر میکردم که چرا این نکات ارزشمند رو در اختیار بقیه ندارم؟ چرا بقیه استفاده نکنن؟ به این نتیجه رسیدم جلد اول این کتاب رو چاپ کنم!

اسم کتاب ویتامین گرامره!

وقتی بدن شما ویتامین سی کم داره، یا میری ویتامین سی میخوری و میخوری

و یا با میوه و استفاده از منابعی که این ویتامین رو دارن، ویتامین سی بدن رو تامین میکنی!

این کتاب دقیقاً کارش همینه. گرامر شما رو تقویت میکنه! شما یه سری دانش اولیه داری، مثلاً میدونی حال کامل چیه، ولی کاربردها و نکات ریز و کاربردیشو نمیدونی. این کتاب اینو بهت یاد میده. این کتاب بهت یاد میده چجوری از گرامر استفاده کنی. بهت نشون میده گرامر خیلی باحال، شیرین و کاربردی!

این کتاب رو به زبان خودمونی و عامیانه نوشتم. وقتی داری میخونی انگار خودم کنارتم. انگار معلم خصوصی گرفتی و داره برات کامل توضیح میده. حقیقتاً این فکر همیشه تو ذهن من بوده. از همون زمانی که درگیر زبان شدم، هر کتاب گرامری رو میدیدم، فقط ترجمه بود اونم به زبان خشک و خسته کننده. همین باعث میشد نه تنها من، بلکه خیلیا از گرامر همیشه ترس داشته باشن! این شد که من نه تنها گرامر رو، بلکه تمام مطالب زبان رو سعی میکنم به زبان ساده و قابل فهم یاد بدم!

بهت قول میدم هیچ وقت از خوندن این کتاب خسته نشی! نکات کاربردی گرامر خیلی زیاده، در حقیقت بکار بردن گرامر توی صحبت هامون یه دنیای دیگه س!

با حفظ قواعد خشک و سخت گرامر خیلی فرق داره!

این کتاب شامل ۲۰۰ نکته کاربردی گرامره. فوق کاربردی!

چرا ۲۰۰ تا؟

یه چیزی رو یادتون باشه. مغز انسان از چیزهای کم و کوچیک خوشش میاد و برای یادگیری اینجور مطالب، یعنی مطالب کوتاه و ساده خیلی تمایل نشون میده. شاید بارها دیدی یهو یه کتاب رو میزاری جلوت، همین که چشمت قطر و حجم کتاب رو میبینی، دیگه فاتحه کتاب خنده س! هیچ وقت سمتش نمیری!

من از این ویژگی مغز استفاده کردم. ۲۰۰ نکته ی کاملاً جمع و جور ولی کامل توی این کتاب آورده شده. نکات جوری هستن که سریع رفتن سر اصل مطلب بدون حاشیه سازی. فرض بر این هست که شما پایه گرامر رو دارید و حالا میخواین ویتامین مصرف کنین و گرامر رو قوی کنین. البته این به این معنی نیست که اگه شما زبان بلد نیستین یا خیلی بلدین نتونین از این کتاب استفاده کنین، تنوع نکات زیاده و در سطح های مختلفه. اگه تازه شروع به یادگیری زبان کردین اتفاقاً میتونه خیلی شمارو جلو بندازه و در کنار یادگیری میتونه براتون یه منبع ویتامینه‌ی عالی باشه. اگه سطحتون بالاست که دیگه بهتر، هم مرور میکنین هم بدون شک چیزای جدید یاد میگیرید و اتفاقاً به ذهنتون خیلی میشینه!

وگرنه میشد یه کتاب ۵۰۰ صفحه ای بنویسم به اسم ۴۸۹۵ نکته کاربردی گرامر. به جان خودم فقط با دیدن اسم این کتاب، هم خودتون بیخیال میشدین و هم مغز شما کار این کتابو رو تموم میکرد و میذاشتش کنار! حالا چجوری از این کتاب استفاده کنیم؟

کافیه روزی یک الی دو تا نکته از این کتاب رو بخونین! ولی نه فقط بخونین، باید تمرین کنین. یعنی هر نکته رو که خوندین تا میتونین موقعیت های مختلف رو تصور کنین و جمله سازی کنین. الگو رو ببرید توی زمان های مختلف، توی شرایط مختلف. یعنی از یه نکته، ساده نگذرید و تا اون نکته رو کامل مسلط نشدید نرید جلوتر!

هیچ نیازی نیست کتاب رو از اول شروع کنین. از هر نکته ای که خواستین شروع کنین. هر نکته که تموم شد شمارشو هایلایت کنین و برید بعدی! لحن کتاب خودمونی، انگار خودم کنارت دارم برات توضیح میدم. اگه بازم هرجایی سؤال داشتی این شماره منه :

فقط کافیه بهم پیام بدی. همین!

یعنی هر لحظه حمایت و راهنمایی من رو داری!

حالا میخوام براتون توضیح بدم که ارزش واقعی این کتاب چقدره!  
۲۰۰ تا نکته داریم که میگیریم هر نکته حدود ۱۰ دقیقه زمان میبره که تدریس و کار بشه (که خیلی بیشتر از اینه، خود من تو کلاس هام به راحتی از یه نکته نمیگذرم)

یعنی حدود ۲۰۰۰ دقیقه، که اگه زمان کلاس خصوصی رو ۹۰ دقیقه در نظر بگیریم، حدوداً میشه ۲۲ جلسه کلاس خصوصی!  
حالا هزینه هر جلسه کلاس خصوصی چقدره؟ خب برای جاها و شرایط مختلف فرق میکنه، ۲۰۰ هزار تومن داریم، ۵۰ تومن هم داریم!  
ما هزینه هر جلسه خصوصی رو ۷۰ هزار تومن در نظر میگیریم، خب ۲۲ جلسه خصوصی میشه یک میلیون و پانصد و چهل هزار تومن!  
و من به جرأت میگم ارزش این کتاب بالای یک میلیون و پانصد و چهل هزار تومنه!

بدون شک اگه پشت جلد خورده بود ۱ میلیون و پانصد شما نه تنها تعجب میکردین و میخندیدین، بلکه چندتا ناسزا هم به من میگفتین. ولی باور کنین ارزش واقعی این کتاب و خیلی از کتاب های دیگه همینه!

اما کسی حاضر نیست بهای واقعی اینجور کتاب هارو پرداخت کنه!  
اگه دقت کنیم خیلی بیشتر از قیمت کتاب رو ما روزانه خرج خیلی از چیزهای بی ارزش میکنیم که هیچ فایده ای هم برای ما و آیندمون نداره و اصلاً متوجه نمیشیم پولمون چجوری خرج شد. مثل یه شب پیتزا خوردن با رفقا، دوتا پاکت سیگار خریدن و دود کردن، دو بار سینما رفتن و یکم تنقلات خریدن و خیلی چیزای دیگه که با این گرونی خودتون میدونین... و زمانی که بااااید یه چیزی رو بخریم و میدونیم مفیده، در موردش خساست نشون میدیم!



خلاصه اینکه، نگاه به ۲۰۰ تا نکته نکنین، نکات ارزشمند این کتاب دو سال زمان برده تا جمع آوری بشه و به زبان خودم نوشته بشه! دلیش هم اینه که این کارو دلی انجام میدادم نه برای نیت یا هدف خاصی مثل معروف شدن یا پولدار شدن! و حالا تصمیم گرفتم چاپش کنم و مطمئنم توی مسیر یادگیری زبان کمکتون میکنه.

البته بدون شک این کتاب بی نقص نیست، ممنون میشم هر عیب و ایرادی که داخل کتاب دیدین، هر انتقاد و پیشنهادی که داشتین بهم اطلاع بدین، شمارمو که دارید!

حمایت شما از این کتاب، یه دلگرمی بزرگه برای من تا هرچه زودتر با قدرت کتاب های بعدی رو تقدیم شما کنم.



سهیل سام

۹۷/۰۹/۰۴

- ۱.....یه کاربرد جالب حال استمراری
- ۲.....یه نکته در مورد قیده‌های زمانی در حال استمراری
- ۳.....یه سری افعال کاربردی در زمان حال استمراری
- ۴.....چه موقع از حال ساده استفاده میکنیم؟
- ۵.....یه سری افعال باحال در زمان حال ساده
- ۶.....تفاوت حال ساده و استمراری
- ۷.....یه ریز نکته در مورد حال ساده
- ۸.....افعال ممنوعه در حال استمراری
- ۹.....حواس پنج گانه!
- ۱۰.....یه نکته کاربردی در حال ساده و حال استمراری
- ۱۱.....یه کاربرد گذشته استمراری
- ۱۲.....یه نکته در مورد استفاده همزمان از گذشته ساده و استمراری
- ۱۳.....ادامه ی نکته قبلی
- ۱۴.....دوتا نکته در مورد حال کامل
- ۱۵.....کاربرد just / already / yet در زمان حال کامل
- ۱۶.....یه کاربرد جالب حال کامل
- ۱۷.....یه الگوی کاربردی در حال کامل
- ۱۸.....کاربرد حال کامل استمراری
- ۱۹.....میدونین تفاوت حال کامل با حال کامل استمراری چیه؟
- ۲۰.....یه کاربرد دیگه از حال کامل
- ۲۱.....یه نکته دیگه در مورد حال کامل
- ۲۲.....مقایسه دوتا الگوی کاربردی
- ۲۳.....یکی از الگوهای کاربردی think

فهرست \_\_\_\_\_ نکته

- ۲۴..... will کاربردهای
- ۲۵..... shall we و shall کاربرد
- ۲۶..... will به نکته دیگه در مورد
- ۲۷..... could بعضی از کاربردهای
- ۲۸..... stop به نکته کاربردی از
- ۲۹..... may به کاربرد جالب
- ۳۰..... should کی از استفاده کنیم ؟!
- ۳۱..... بهتر بود انجامش میدادم !
- ۳۲..... بهتر بود انجامش نمیدادم!
- ۳۳..... as well as کاربرد
- ۳۴..... last و take تفاوت
- ۳۵..... به الگوی کاربردی
- ۳۶..... به الگوی کاربردی
- ۳۷..... به الگوی کاربردی
- ۳۸..... had better کاربرد
- ۳۹..... had better و should فرق بین چیه ؟!
- ۴۰..... It's time کاربرد
- ۴۱..... It's time به کاربرد پیشرفته تر از
- ۴۲..... would یکی از کاربردهای مهم
- ۴۳..... همون کاربرد قبلی توی زمان گذشته
- ۴۴..... could و can یکی از کاربردهای
- ۴۵..... به الگوی درخواست کردن
- ۴۶..... چجوری درخواست کنیم که خودمون به کاری رو انجام بدیم

## فهرست \_\_\_\_\_ نکته

- ۴۷ ..... could   یه نکته ریپیز در مورد
- ۴۸ ..... would you like   کاربرد
- ۴۹ ..... if   یه الگوی کاربردی با
- ۵۰ .....   یه ریزنکته در مورد شکل فعل ها
- ۵۱ ..... have   یه الگوی خوشگل با
- ۵۲ .....   کاربرد حال کامل استمراری
- ۵۳ .....   من از شما یه سؤال دارم!
- ۵۴ ..... try   یه نکته در مورد
- ۵۵ ..... left   کاربرد
- ۵۶..... many و much   یه الگوی کاربردی با
- ۵۷ ..... prefer   سه تا الگو در مورد یاد بگیر
- ۵۸ ..... would prefer و would rather   تفاوت
- ۵۹ .....   یه الگوی جالب ولی عجیب و غریب
- ۶۰ ..... I'd rather   یه نکته کاربردی در مورد
- ۶۱ ..... after و before   یه نکته در مورد
- ۶۲ ..... by   یه نکته کاربردی در مورد
- ۶۳ ..... agree   یه نکته کاربردی در مورد
- ۶۴ ..... ( ۱ ) enough و too   الگوهای کاربردی با
- ۶۵ ..... ( ۲ ) enough و too   الگوهای کاربردی با
- ۶۶ ..... apologize   یه نکته ریز در مورد
- ۶۷ ..... ing دار میاد   یه سری اصطلاح که بعدشون فعل
- ۶۸ ..... ing دار میاد   یه سری عبارت که بعدشون فعل
- ۶۹ .....   یه الگوی کاربردی

## فهرست \_\_\_\_\_ نکته

- ۷۰ ..... به الگوی کاربردی
- ۷۱ ..... چندتا نکته در مورد for و to
- ۷۲ ..... به نکته کاربردی در مورد so that
- ۷۳ ..... به الگوی کاربردی
- ۷۴ ..... به الگو با afraid یاد بگیریم
- ۷۵ ..... به الگوی دیگه با afraid یاد بگیریم
- ۷۶ ..... been یا gone؟! مسله این است!
- ۷۷ ..... به کاربرد sorry
- ۷۸ ..... یکی از کاربردهای already
- ۷۹ ..... به نکته در مورد استفاده از گذشته ساده
- ۸۰ ..... ادامه ی نکته ی قبلی
- ۸۱ ..... کاربرد الگوهای بالا با افعال دیگه
- ۸۲ ..... وقتی دوتا چیز همزمان اتفاق میوفتن چیکار کنیم!؟
- ۸۳ ..... وقتی یه عملی در حین عمل دیگه ای اتفاق میوفته چیکار کنیم!؟
- ۸۴ ..... به الگوی کاربردی باحال
- ۸۵ ..... every/everybody/everyone/everything به نکته در مورد
- ۸۶ ..... کاربرد whole با یه ریز نکته
- ۸۷ ..... به کاربرد دیگه از حال کامل استمراری بعلاوه دوتا نکته کاربردی
- ۸۸ ..... somebody/someone/anybody/anyone به نکته در مورد
- ۸۹ ..... یکی از کاربردهای as well
- ۹۰ ..... به نکته در مورد all the time و every time
- ۹۱ ..... به نکته در مورد much و many و a lot of
- ۹۲ ..... تفاوت little و few / a few و a little

## فهرست ..... نکته

- ۹۳ ..... میتونیم بعد از یه سری کلمات اسم بیاریم!
- ۹۴ ..... یه نکته مهم و کاربردی از حال استمراری
- ۹۵ ..... کاربرد both/neither/either
- ۹۶ ..... کاربرد both of / neither of / either of
- ۹۷ ..... کاربرد both ... and
- ۹۸ ..... کاربرد neither ... nor
- ۹۹ ..... کاربرد either ... or
- ۱۰۰ ..... آیا میدانید!؟
- ۱۰۱ ..... یکی از کاربردهای wish
- ۱۰۲ ..... کی کار نمیکنی تا بریم پارک!؟
- ۱۰۳ ..... یه کاری کن
- ۱۰۴ ..... یه نکته کوچولو در مورد for و since
- ۱۰۵ ..... فکرشم نمیکردم
- ۱۰۶ ..... کاربرد I feel like
- ۱۰۷ ..... فقط یه باااااا اونجا بودم
- ۱۰۸ ..... یه الگوی کاربردی با as well
- ۱۰۹ ..... یه کاربرد get
- ۱۱۰ ..... یه نکته در مورد get
- ۱۱۱ ..... یکی از کاربردهای مهم make
- ۱۱۲ ..... یکی دیگه از کاربردهای مهم make
- ۱۱۳ ..... احتمالش زیاده که ، احتمالش هست که
- ۱۱۴ ..... یه نکته کاربردی با always
- ۱۱۵ ..... یه نکته در مورد think

## فهرست \_\_\_\_\_ نکته

- ۱۱۶ ..... کاربردهای enough
- ۱۱۷ ..... هیچ وقت توی زندگیم فلان کارو نکردم
- ۱۱۸ ..... هیچی نشده فلان شد
- ۱۱۹ ..... یکی از راههای درخواست کردن
- ۱۲۰ ..... یه ریز نکته در مورد will و going to
- ۱۲۱ ..... یه نکته کاربردی
- ۱۲۲ ..... کاربرد باحال every
- ۱۲۳ ..... یه جای کار میلنگه
- ۱۲۴ ..... میخواین بگین به کسی کمک کردین فلان کارو بکنه
- ۱۲۵ ..... نمیدونستم فلان بودی
- ۱۲۶ ..... یه الگوی کاربردی
- ۱۲۷ ..... تمام کاری که باید انجام بدی فلان کاره
- ۱۲۸ ..... کاربرد to be about to
- ۱۲۹ ..... همه فلان چیزاتون اینقدر خوبن؟!
- ۱۳۰ ..... هنوزم وقت زیادی داری فلان کارو انجام بدی
- ۱۳۱ ..... کاربرد each و every
- ۱۳۲ ..... کاربرد to be used to
- ۱۳۳ ..... کاربرد to get used to
- ۱۳۴ ..... تفاوت because of و because
- ۱۳۵ ..... تفاوت at the end و in the end
- ۱۳۶ ..... تفاوت too و very
- ۱۳۷ ..... چجوری از no longer استفاده کنیم
- ۱۳۸ ..... کاربرد let alone

## فهرست ..... نکته

- ۱۳۹ ..... suppose دوتا الگو با
- ۱۴۰ ..... met یه کاربرد باحال
- ۱۴۱ ..... every one و everyone تفاوت
- ۱۴۲ ..... will و can یه نکته ریز در مورد
- ۱۴۳ ..... may as well و might as well تفاوت
- ۱۴۴ ..... یه نکته کاربردی
- ۱۴۵ ..... یه نکته کاربردی
- ۱۴۶ ..... همینجور داره فلان میشه
- ۱۴۷ ..... If ... happen to کاربرد
- ۱۴۸ ..... nearly یه کاربرد
- ۱۴۹ ..... needn't کاربرد
- ۱۵۰ ..... prefer یه ریز نکته در مورد
- ۱۵۱ ..... hope یه نکته در مورد
- ۱۵۲ ..... یه نکته حرفه ای یاد بگیر
- ۱۵۳ ..... سه تا فعل رو یادت باشه!
- ۱۵۴ ..... since کاربرد
- ۱۵۵ ..... since و حال کامل
- ۱۵۶ ..... as ... as کاربرد
- ۱۵۷ ..... don't have to و needn't یه نکته ریز در مورد
- ۱۵۸ ..... would و will یه کاربرد جالب
- ۱۵۹ ..... will یه کاربرد
- ۱۶۰ ..... could have و might have کاربرد
- ۱۶۱ ..... کاربرد گذشته ساده و گذشته استمراری



فهرست ————— نکته

- ۱۶۲ ..... one another و each other تفاوت
- ۱۶۳ ..... حال استمراری چیه ؟
- ۱۶۴ ..... used to کاربرد
- ۱۶۵ ..... didn't use to کاربرد
- ۱۶۶ ..... used to به ریز نکته در مورد
- ۱۶۷ ..... the .... the better کاربرد
- ۱۶۸ ..... the .... the کاربرد
- ۱۶۹ ..... elder و elder تفاوت
- ۱۷۰ ..... not as ... as کاربرد
- ۱۷۱ ..... less ... than کاربرد
- ۱۷۲ ..... in order to کاربرد
- ۱۷۳ ..... به نکته کاربردی
- ۱۷۴ ..... the same as کاربرد
- ۱۷۵ ..... نکته کاربردی
- ۱۷۶ ..... remember به نکته کاربردی در مورد
- ۱۷۷ ..... make و do چهار نکته در مورد
- ۱۷۸ ..... must و have to تفاوت
- ۱۷۹ ..... stop و کاربردش به نکته در مورد
- ۱۸۰ ..... wish کاربرد
- ۱۸۱ ..... will یکی از کاربردهای
- ۱۸۲ ..... can't wait کاربرد
- ۱۸۳ ..... person/persons/people/peoples نکته در مورد
- ۱۸۴ ..... don't have to و mustn't کاربرد

فهرست \_\_\_\_\_ نکته

- نکته rob و steal ..... ۱۸۵
- پنج راه استفاده از in ..... ۱۸۶
- تفاوت آینده قصدی و حال استمراری ..... ۱۸۷
- کاربرد even if و even though ..... ۱۸۸
- یه نکته در مورد time ..... ۱۸۹
- یه کاربرد wish ..... ۱۹۰
- کاربرد wish با مصدر با to ..... ۱۹۱
- یه الگوی کاربردی دیگر از wish ..... ۱۹۲
- بازم wish ..... ۱۹۳
- wish و hope ..... ۱۹۴
- تفاوت alone و lonely ..... ۱۹۵
- دوتا نکته در مورد alone ..... ۱۹۶
- کاربرد along و through ..... ۱۹۷
- یه الگوی خیلییییییی کاربردی ..... ۱۹۸
- یه نکته در مورد help ..... ۱۹۹
- تفاوت I know it و I know ..... ۲۰۰

نکات کاربردی گرامر ————— ➤

به زبان ساده و خودمونی

## نکته ۱:

اصولاً همه یاد گرفتیم که وقتی می‌خواهیم در مورد انجام یه کاری توی لحظه حال صحبت کنیم، باید از حال استمراری استفاده کنیم. اما بعضی وقتا اون کار یا فعالیت دقیقاً توی لحظه ی صحبت کردن اتفاق نمیوفته، توی این شرایط هم ما از حال استمراری استفاده میکنیم!

مثلاً اکبر داره تلفنی با دوستش حرف میزنه و میگه:

**I'm reading** a really good book at the moment.

خب طبیعیه که اکبر توی اون لحظه در حال حرف زدن با دوستشه نه کتاب خوندن. ولی منظورش اینه که کتاب خوندن رو شروع کرده و هنوز تمومش نکرده. در حقیقت وسط پروسه ی کتاب خونده!!

**Ali wants to work in Italy, so he's learning** Italian.

علی می‌خواهد ایتالیا کار کنه، برای همین داره ایتالیایی می‌خونه.

علی همین الان در حال ایتالیایی خوندن نیست. شاید الان سرکاره یا با دوستش بیرونه. ولی این روزا در حال زبان ایتالیایی خوندنه!

## نکته ۲:

توی زمان حال استمراری شما میتونین از قیده‌های زمانی ای که حول و حوش الان هستن یا به الان و زمان صحبت کردن نزدیک هستن، استفاده کنین. مثلاً

**today / this week**

دقت کنین که باید این قید زمان، حول و حوووش الان باشه!

You're **working** hard today.

امروز داری سخت کاری میکنی.

The company I work for **isn't doing** so well this week.

شرکتی که براش کار میکنم این هفته کارهاش خوب پیش نمیره.

## نکته ۳:

هر وقت خواستین درباره ی تغییراتی که حول و حوش زمان حال داره اتفاق میوفته صحبت کنین، میتونین از حال استمراری استفاده کنین. در این حالت یه سری فعل ها خیلی کاربرد دارن!

**get , change , become , increase , rise , fall , grow , improve , begin , start**

مثال هارو ببین:

Your English is **getting** better.

انگلیسیت داره خوب میشه ( یه تغییره، داره الان اتفاق میوفته، حول و حوش الانه )

The population of the world **is increasing** very fast.

جمعیت جهان داره خیلی سریع افزایش پیدا میکنه ( یه تغییره، مربوط به گذشته و آینده هم نیست، حول و حوش الان داره اتفاق میوفته )

Poverty **is becoming** a major problem in our country.

فقر توی کشور ما داره یه مسأله‌ی مهم میشه ( یه تغییره، این روزا داره اتفاق میوفته، حول و حوش الانه )

I'm starting a new job next week.

من هفته ی آینده یه شغل جدید رو شروع میکنم.  
حالا خودتون تا میتونین با این فعل ها مثال بزنین و تمرین کنین.

#### نکته ۴:

به طور کلی برای چهار حالت از حال ساده استفاده میکنیم:  
**اول** زمانی که بخوایم به صورت کلی درباره ی چیزی صحبت کنیم.  
**دوم** برای صحبت کردن درباره ی چیزی که همیشه یا به صورت مداوم اتفاق میوفته.

**سوم** چیزی که به طور کلی درسته.  
**چهارم** برای اینکه بگیم چند دفعه یا چند وقت به چند وقت یه کاری رو انجام میدیم.

Nurses **look after** patients in hospitals.

آقا، پرستارها چیکار میکنن؟! به صورت کلی و عمومی؟ خب از مریض ها مراقبت میکنن دیگه!

I usually **go** to park on Fridays.

من معمولاً جمعه ها میرم پارک (همیشه اینجوریه، مداوم این اتفاقه میوفته)

The earth **goes** around the sun.

زمین دور خورشید میگرده. (به صورت کلی درسته، یه واقعیه)

I **go** to park once a week.

من هفته‌ای یه بار میرم پارک.

## نکته ۵:

**Sometimes we do things by saying something.**

بعضی وقتا با گفتن یه چیزی، داریم یه کاری رو انجام میدیم. یعنی چی؟! مثلاً شما میگی من قول میدم صبح ها زود بیدار شم. داری قول میدی، اما عملی انجام نمیدی. خود قول دادنه در حقیقت همون عملی هست که انجام میگیره ولی حالت فیزیکی نداره! پا نمیشی بری مثلاً یه بسته قول براش بیاری بازش کنی و يدونه قول بهش بدی که! یا مثلاً شما به یه نفر پیشنهاد میدی، فعالیت فیزیکی ای که این وسط انجام نمیشه، خود پیشنهاد دادنه همون عملیه که داره انجام میشه! یه سری فعل ها هستن که یه چنین حالتی دارن و میتونیم ازشون توی زمان حال ساده استفاده کنیم:

**promise / apologize / suggest / advise / insist / agree / refuse**  
مثلاً

**I promise** I won't be late.

قول میدم دیر نکنم.

**I suggest** that you study English.

بهت پیشنهاد میکنم که انگلیسی بخونی.

## نکته ۶:

ما از حال استمراری برای موقعیت های موقتی استفاده میکنیم:

**You're working** hard today.

امروز داری سخت کار میکنی. ( امروزو داره اینجوری کار میکنه که داری بهش

اینو میگی، موقتیه، طرف همیشه اینجوری کار نمیکنه (

اما از حال ساده برای موقعیت های دائمی!

He **works** hard most of the time.

اون بیشتر وقتا سخت کار میکنه. ( طرف سختکوشه، طرف خیلی کارش درسته،

همیشه در حال تلاشه )



### نکته ۷:

لطفا حواست باشه، داری از آینده حرف میزنی ، باشه قبول!

ولی توی الگوهای زیر و شبیه اینا ، بعد از when , where , what , if از حال

ساده استفاده کن.

مثلا بگو :

I'll go there when he calls me.

وقتی بهم زنگ بزنه میرم اونجا.

صحبت از آینده س ، قبول ، ولی شما بعد از when از حال ساده استفاده کن !

بپا اشتباه نکنی،

~~I'll go there when he will call me.~~

یه مثال دیگه :

I'll do the dishes if you help me.

ظرفارو میشورم اگه کمکم کنی.

بپا اشتباه نکنی،

~~I'll do the dishes if you will help me.~~



## نکته ۸:

یه سری افعال رو توی حالت استمراری نمیاریم. اینارو خوب بخاطر بسپارید!  
**like / want / need / prefer / know / realize / suppose / mean**  
**/ understand / believe / remember / belong / fit / contain /**  
**consist / seem**

برای یادگیریشون یه نکته به ذهنتون بسپارید!  
توی این افعال هیییییچ فعالیت فیزیکی انجام نمیشه. مثلاً ترجیح دادن، میگی  
من ترجیح میدم برم سینما. خب، کاری نمیکنی که، همینجور میشینی و  
ترجیح میدی. این ترجیح دادنه توی ذهنتون و درونتون داره اتفاق میوفته!  
بقیه افعال هم همینه. یه عملکرد درونیه، فکریه، قلبیه!

I'm hungry, I **want** something to eat. (Not I'm wanting)

من گرسنه‌ام، یه چیزی میخوام که بخورم.

Do you **understand** what I mean?

میفهمی منظورم چیه؟

Do you **believe** in God? (Not are you believing)

به خدا اعتقاد داری؟

## نکته ۹:

معمولاً با افعال زیر که مربوط به حواس پنج گانه هستن، حال ساده به کار  
میبریم:

**see / hear / smell / taste**

Do you **see** that man over there?

اون مرده رو اونجا میبینیش؟ درست نیست بگیم:

~~Are you seeing that man over there?~~

This room **smells**. Let's open the window.

این اتاق بو میدهد. بیا پنجره رو باز کنیم.

## نکته ۱۰:

He **is** selfish.

یعنی طرف خودخواهه، شخصیتش اینجوریه، ذاتشه، صفتشه!

He **is being** selfish.

یعنی داره خودخواهی میکنه، ذاتا اینجوری نیست، توی اون لحظه داره این رفتارو نشون میدهد.

**He is being = he is behaving / he is acting**

خب پس دوتا حالت شد، یه زمانی هست که اون صفتی که درباره ش صحبت میکنیم ویژگی ذاتی طرفه، همیشه اینجوریه.

تو این حالت خیلی راحت بعد از فعل **to be** میاریمش!

یه زمانی هست که طرف توی اون لحظه داره اون ویژگی رو از خودش نشون میدهد. مثلاً توی اون لحظه داره خسیس بازی درمیاره، ولی آدم خسیسی نیست. تو این حالت از **being** استفاده میکنیم.

Akbar **is being** stingy.

اکبر داره خسیس بازی درمیاره.

## نکته ۱۱:

**I was doing something.**

یعنی من وسط انجام کاری بودم، در یه زمان مشخص، در گذشته!

یعنی اون عملی که من دارم با این ساختار میگویم، قبل از یه زمان مشخص، شروع شده بوده و هنوزم تموم نشده بوده!

This time last year I **was living** in Brazil.

داره می‌گه پارسال همین مووووقع ( یعنی زمان مشخصه ) من توی برزیل زندگی میکردم.

What **were** you **doing** at 10 o'clock last night?

داره می‌پرسه دیشب ساعت ۱۰ ( زمان مشخصه ) داشتی چیکار میکردی؟!

## نکته ۱۲:

ما معمولاً از گذشته ساده و گذشته استمراری با هم استفاده میکنیم، چرا!!!!!!؟!  
برای اینکه بگیم یه چیزی اتفاق افتاده در حیییییین یه چیز دیگه!  
یعنی چی؟!

Akbar **phoned** while we **were having** dinner.

وقتی داشتیم شام می‌خوردیم، اکبر زنگ زد. در حین شام خوردن بودیم که چی شد؟! اکبر زنگ زد!

اصولاً اینجور وقتا یه عمل در!!!! از داریم یه عمل کوچولو! اون عمل درازه رو با گذشته استمراری می‌گیم اون عمل کوچولو رو با گذشته ساده! در ضمن اغلب اون عمل کوچولوعه اون عمل درازه رو متوقف میکنه! ( فلفل نبین چه ریزه )  
الان گفت داشتیم شام می‌خوردیم ( عمل طولانی ) که اکبر زنگ زد ( عمل کوتاه که درازه رو قطعش کرد )

حالا مثلاً می‌خوایم بگیم وقتی بیدار شدم باروون می‌بارید.

خب، پس در حیییین باریدن باروون بوده که من بیدار شدم دیگه!

It **was raining** when I **got up**.

یه مثال دیگه:

I **was reading** when my phone **rang**.

داشتم کتاب میخوندم که تلفنم زنگ زد.

### نکته ۱۳: ➡

حالا اگه بخوایم بگیم یه چیزی توی گذشته بعد از یه چیز دیگه اتفاق افتاده، خیلی راحت از گذشته ساده استفاده میکنیم و اونارو پشت هم میگیم:

I saw Ali, then I stopped, and we had a chat.

علی رو دیدم بعدش وایسادم و حرف زدیم.  
فرقش با نکته بالا اینه که دیگه اینجا هیچ عملی، عمل دیگه ای رو متوقف نمیکنه!

### نکته ۱۴: ➡

دوتا نکته درباره حال کامل بدونین:

یک: وقتی میگیم **something has happened** معمولاً این جمله شامل اطلاعات جدید!

معنیش میشه یه اتفاقی افتاد، داره یه چیز جدید رو میگه که شنونده ازش بی خبره.  
یعنی چی؟!

I've cut my finger.

انگشتمو بریدم ( یه اطلاعات جدید، تازه اتفاق افتاده )

I've lost my keys.

کلیدامو گم کردم ( اطلاعات جدید )

دو: هنگامی که ما از حال کامل استفاده میکنیم، جمله مون یه ارتباطی با الان  
داره!

در حقیقت اون فعالیت در گذشته اتفاق افتاده، اما الان داریم نتیجه شو

میبینیم!

طرف میپرسه:

" Is Akbar here? "

اکبر اینجا هست؟

" No, he's gone out. "

یعنی اون رفته. پس در حقیقت الان اینجا نیست دیگه!

## نکته ۱۵: ➡

ما از این سه کلمه میتونیم توی حال کامل استفاده کنیم:

**just, already, yet**

حالا **just** یعنی چی؟! یعنی چند لحظه پیش، مدتی قبل و البته کوتاه!

I've **just** had lunch.

تازه ناهار خوردم.

Have you **just** arrived?

تازه رسیدی؟!

حالا وقتی یه چیزی زودتر از حد انتظار ما اتفاق میوفته، از **already** استفاده میکنیم.

Akbar: Don't forget to pay your phone bill.

Mehran: I've **already** paid it.

اکبر میگه فراموش نکنی قبض تلفنتو بدی.

مهران جواب میده قبلاً پرداختش کردم. ( قبل اینکه تو انتظارشو داشته باشی )  
و **yet** هم به معنی تا الان یا هنوز هستش.

در حقیقت نشون میده که گوینده انتظار داره یه چیزی اتفاق بیوفته!  
و یادتون نره فقط توی سؤال و جملات منفی ازش استفاده میکنیم.

Has it stopped raining **yet**?

هنوز بارون بند نیومده؟!

I've written the email but I have not sent it **yet**.

من ایمیل رو نوشتم ولی هنوز ارسالش نکردم.

### نکته ۱۶: ➡

هنگامی که بازه ی زمانی موضوع یا اتفاقی که داریم درباره ش حرف میزنیم، توی همون لحظه صحبت کردنه و هنوز تموم نشده، باید از حال کامل استفاده کنیم.

به سری قید های زمانی مثل **today / this evening / this year** نشونه های خوبی هستن برای این موضوع!

I've drunk four cups of coffee **today**.

درباره ی چه عملی داره صحبت میشه؟! نوشیدن قهوه!  
بازه ی زمانی هنوز تموم نشده، یعنی هنوز امروز ادامه داره و طرف داره میگه تا حالا ۴ تا فنجان قهوه خوردم. خدا میدونه چندتا دیگه بخوره!

I haven't seen Sekineh **this morning**.

درباره ی چه عملی داره صحبت میکنه؟ دیدن سکینه!  
آیا بازه ی زمانی تموم شده؟! نهههههه، داره میگه من امروز صبح سکینه رو ندیدم، ولی خب روز هنوز ادامه داره، و ممکنه سکینه رو ببینه!

Ali hasn't worked very hard **this term**.

ترم هنوز تموم نشده که، علی هم این ترم درست درس نخونده، ترم هم ادامه داره و ممکنه بازم نخونه!

## نکته ۱۷: ➤

یه الگوی کاربردی داریم توی حال کامل:

It's the (first / second / third / forth / ...) time something has happened

مثال:

It's the first time he **has driven** a car.

دفعه ی اولیه که ماشین میرونه.

This is the second time this **has happened**.

دفعه ی دومیه که این اتفاق میوفته.

Akbar is phoning his girlfriend again. This is the third time he **has phoned** her this evening.

اکبر داره دوباره به دوست دخترش زنگ میزنه. این دفعه سومه امروز عصر که باهاش تماس گرفته.

## نکته ۱۸: ➤

### Present Perfect Continuous

دقت کنین، ما از حال کامل استمراری برای فعالیت هایی که اخیراً یا به تازگی متوقف شدن استفاده میکنیم، که حتماً!!!!!! یه ارتباطی با الان دارن!

You're out of breath. **Have you been running?**

میگه تو الان از نفس افتادی. داشتی می دویدی؟!

Ali is very tired. He's **been working** very hard.

علی الان خسته اس. سخت داشته کار میکرده.

یعنی شما داشتی یه کاری میکردی که الان نتیجه شو داریم میبینیم.

یا داشته یه اتفاقی میوفتاده که الان داریم نتیجه شو میبینیم.



Ali **has been** in hospital since Monday.



علی از دوشنبه توی بیمارستان بوده. ( کی شروع شده؟! توی گذشته، یعنی دوشنبه، هنوزم هست )

She **has been** waiting all morning.

کل صبح رو منتظر بوده. ( هنوزم منتظره )

### نکته ۲۱:

دقت کنین که حال کامل یه زمان حاله!

یعنی همیشه داره به ما درباره ی موقعیت الان توضیح میده.

Ali **has lost** his keys.

علی کلیداشو گم کرده. ( یعنی الان علی بی کلیده )

ولی گذشته ساده، فقط در مورد گذشته به ما اطلاعات میده!

Ali **lost** his keys.

این جمله الان نمیگه علی در حال حاضر کلید داره یا نه، داره میگه توی یه زمانی در گذشته گمش کرده!

### نکته ۲۲:

یه نکته ی بسیاااار مهم هنگام استفاده از این دو الگو

**I am doing**

**I am going to do**

خب یکی از کاربردهای حال استمراری صحبت کردن درباره ی آینده س!  
زمانی که ما میخوایم درباره ی انجام یه کاری که از قبل هماهنگگگگگگ شده  
صحبت کنیم مثل ملاقات با یه نفر یا هماهنگی برای رفتن به جایی، باید از حال استمراری استفاده کنیم.

What time **are you meeting** Akbar this evening?

اما زمانی که قبلاً تصمیم به انجام کاری گرفتیم، ولی هماهنگ نشده، یعنی فقط قصد انجامش را داریم باید از آینده قصدی استفاده کنیم.

**I'm going to clean my shoes.**

من قبلاً تصمیم گرفتم کفش هامو تمیز کنم. اما قرار نداشتم با خودم که کی اینکارو بکنم. هماهنگ نکردم!

### نکته ۲۳:

ما معمولاً از الگوی زیر زیاد استفاده میکنیم:

**I think I'll ...**

**I don't think I'll ...**

**I'll** مخفف **I will** هست دیگه!

یعنی وقتی میخواهیم بگیم فکر کنم فلان کارو بکنم، یا فکر نکنم فلان کارو بکنم، بعد از **I think** یا **I don't think**، از **will** توی قسمت دوم جمله استفاده میکنیم.

مثلاً:

**I feel a bit hungry. I think I'll buy something to eat.**

یه ذره احساس گرسنگی دارم. فکر کنم یه چیزی بخرم بخورم.

**I don't think I'll go out tonight. I'm too tired.**

فکر نکنم امشب برم بیرون. خیلییی خسته ام.

### نکته ۲۴:

ما معمولاً از **will** در موقعیت های زیر استفاده میکنیم:

۱- پیشنهاد انجام کاری رو دادن.

**That bag looks heavy. I'll help you with it.**

داره میگه اون کیفه سنگین به نظر میرسه. کمکت میکنم جا به جاش کنی.  
۲- موافقت برای انجام کاری.

Mehran: Can you give Akbar this book?

مهران: میتونی این کتابو بدی به اکبر؟

Farhad: Sure, **I'll give it to him** when I see him this afternoon.

فرهاد: حتماً، بعد از ظهر که دیدمش کتاب رو بهش میدم.

۳- وقتی میخواین قول انجام کاری رو بدین.

Thanks for lending me that money. **I'll pay you back on Friday.**

مرسی بابت اینکه اون پول رو به من قرض دادی. جمعه بهت برمیگردونم.

۴- وقتی از کسی بخواین یه کاری رو انجام بده.

**Will you please turn the music down?**

میشه لطفاً صدای موزیک رو کم کنی؟

## نکته ۲۵: ➡

چه موقع از **shall I ... ?** و **shall we ... ?** استفاده کنیم؟

اول اینکه **shall** بیشتر وقتا توی سؤال استفاده میشه.

دوم اینکه ما از این دو الگو برای پرسیدن نظر افراد استفاده میکنیم.

وقتی که از **shall** توی جمله استفاده میکنیم، شنونده متوجه میشه که ما میخوایم نظرشو بدونیم.

**Shall I open the window?**

پنجره رو باز کنم؟! (یعنی اینکه داره نظر یکیو میپرسه)

I've got no money. What **shall I** do?

هیچ پولی ندارم، چیکار کنم؟ (یعنی اینکه داره نظر یکیو میپرسه)

Where **shall we** have lunch?

کجا ناهار بخوریم ؟

حالا بنظرتون این دوتا چه فرقی دارن ؟!

**Shall I shut the door?**

**Will you shut the door?**

توی اولی داره میگه میخوای درو ببندم ؟! داره نظرشو میپرسه.

اما!!!! توی دومی، از طرف میخواید که درو ببندد!

یه نکته:

ما معمولاً shall رو فقط طوط با I و we میاریم!

این روزا دیگه زیاد از shall استفاده نمیشه.

## نکته ۲۶: ➡

ما معمولاً به همراه موارد پایین از will استفاده میکنیم.

### **Probably**

**I'll probably be home late tonight.**

داره میگه من احتمالاً امشب دیروقت خونه باشم. ( داره پیش بینی میکنه، هر

جا سخن از پیش بینی بود، نام will میدرخشد! )

### **(I'm) sure**

**Don't worry about the exam. I'm sure you'll pass it.**

درباره ی امتحان نگران نباش، من مطمئنم پاسش میکنی. ( باز داره از نظر

خودش پیش بینی میکنه )

### **I wonder**

**I wonder what will happen.**

برام سؤاله چی پیش میاد.

## نکته ۲۷:

برخی کاربردهای could :

۱- یکی از کاربردهای مهم could صحبت کردن درباره ی اتفاق های ممکن در زمان حال و در آینده س بخصوص موقع پیشنهاد دادن. مثلاً:

We **could go** to the cinema tonight.

امشب میتونیم بریم سینما. ( داره پیشنهاد میده، در مورد آینده هم هست )

۲- برای صحبت درباره ی اتفاقاتی که واقعی نیستن.

I'm so tired; I **could sleep** for a week.

من خیلی خسته‌ام. میتونم برای یه هفته بخوابم.

## نکته ۲۸:

اگه بعد از stop فعل به صورت ing دار بیاد یه معنی داره!

اگه بعد از stop فعل به صورت مصدر با to بیاد، یه معنی دیگه داره!

**Stop + verb + ing**

یعنی کاری رو که داریم انجام میدیم متوقف کنیم.

**Stop + to + verb**

یعنی کار قبلی رو به منظور انجام دادن کار دیگه ای متوقف کنیم.

یعنی چی؟؟

I really must **stop smoking**.

یعنی واقعاً باید سیگار کشیدن رو ترک کنم.

Every half an hour I **stop work to smoke** a cigarette.

هر نیم ساعت کارو متوقف میکنم تا سیگار بکشم.

I have to **stop watching** movie and go to work.

مجبورم فیلم دیدن رو متوقف کنم و برم سر کار. ( داره فیلم میبینه، وسطشه،  
میخواه متوقفش کنه )

**I stop movie to make dinner every night.**

هر شب فیلم دیدن رو متوقف میکنم تا شام درست کنم.

نکته ۲۹: ————— ➤

هر وقت بخوایم برای کسی آرزوی سلامتی، شادی، موفقیت و ... کنیم، میتونیم  
از May در ابتدای جمله استفاده کنیم و بعد اون آرزومونو به حال ساده بگیم!  
May، یعنی امید هست که ... / آرزو میکنم که....

**May you both be happy.**

امیدوارم شما دو نفر شاد باشید.

**May the New Year bring you all your heart desires.**

امیدوارم در سال نو تمام آرزوهای قلبیتون برآورده بشه.

**May God be with you.**

دست خدا به همراهات.

**May she rest in peace.**

روحش شاد. ( برای کسی که فوت کرده )

**May his soul live in peace.**

بازم یعنی همون روحش شاد.

**May you pass your exam.**

امیدوارم امتحانتو پاس کنی.

نکته ۳۰: ————— ➤

کی از should استفاده کنیم!؟

وقتی می‌گیم

### You should do something

یعنی این یه کاره خوبه اگه انجامش بدی، یا این کاره درسته.  
همچنین زمانی که می‌خوایم نصیحت کنیم یا نظرمونو بگیم میتونیم از این الگو استفاده کنیم.

You look tired. You **should go** to bed.

خسته بنظر میرسی. بهتره بری بخوابی.

The government **should do** more to improve education.

دولت بهتره برای توسعه ی تحصیلات تلاش بیشتری بکنه ( داره نظرشو می‌گه )  
You **shouldn't do** it.

یعنی این کار خوبی نیست که انجامش بدی.

You **shouldn't believe** everything you read in the newspaper.

نباید هرچی توی این روزنامه می‌خونی رو باور کنی.

## نکته ۳۱: ————— ➤

### You should have done something

یعنی یه کاری رو قبلاً انجام ندادی، اما ای کاش انجامش داده بودی چون اون کار درستی بوده!  
یعنی چی؟! مثلاً درس نخوندی، امتحانتو افتادی، رفیقت میاد و می‌خواد بهت بگه بهتر بود درس می‌خوندی، باید از این الگو استفاده کنه.

You missed a great party last night. You **should have come**.

دیشب یه پارتی عالی رو از دست دادی. باید میومدی.

### You should have + p.p

دیگه میدونین p.p چیه، نظرتون که محترمه ولی اینجا یعنی قسمت سوم فعل!

You **should have studied** hard last week.

هفته پیش باید بیشتر درس میخوندی. ( طرف اینکارو نکرده، در حالی که کار درست درس خوندن بوده )

You **should have gone** to school yesterday.

دیروز باید میرفتی مدرسه.



### نکته ۳۲:

You **shouldn't have done something**

یعنی یه کاری رو کردی، ولی کار اشتباهی بوده که انجام دادی و بهتر بود انجام نمیدادی!

I'm feeling sick. I **shouldn't have eaten** so much.

حس حالت تهوع دارم. نباید خیلی زیاد میخوردم.

You **shouldn't stayed out** late.

نباید تا دیر وقت بیرون می موندی.



### نکته ۳۳:

**as well as**

عبارت **as well as** به معنی به علاوه، علاوه بر، و نیز، و همچنین هستش! با مثال یاد بگیرید:

They sell books **as well as** newspapers.

اونها کتاب و همچنین روزنامه میفروشن.

He has got a car **as well as** a motorbike.

علاوه بر ماشین یه موتور سیکلت هم داره.

Sekineh is clever **as well as** beautiful.



سکینه هم باهوشه هم زیبا.

### نکته ۳۴: ➤

طول کشیدن

**take – last**

وقتی بخوایم بگیم برای انجام دادن یه کار|||||||ری چقدر وقت لازمه، از **take** استفاده میکنیم.

It **took** me four hours to write this article.

نوشتن مقاله برای من چهار ساعت طول کشید.

It **takes** a long time to get home in the evenings.

عصرها رسیدن به خونه خیلی طول میکشه.

**last** برای گفتن اینکه یه رویدادی چه مقدار ادامه داره یا چه مقدار طول میکشه، به کار میره!

The strike **did not last** very long.

اعتصاب زمان زیادی طول نکشید.

The movie **lasted** nearly three hours.

فیلم حدود سه ساعت طول کشید.

### نکته ۳۵: ➤

وقتی میخواین بگین کارتون با یه چیزی تموم نشده، مثلاً کارم هنوز با شما تموم نشده، کارم با این کتاب تموم نشده و ... باید بگید:

**I'm not done with you yet!**

کارم هنوز با شما تموم نشده.

**I'm not done with** this book.

کارم با این کتاب تموم نشده.

**Are you done with my hair?**

کارت با موهام تموم شد ؟

**Is she done with her homework?**

کارش با تکالیفش تموم شد ؟!

حالت مثبت این جمله رو وقتی استفاده میکنیم که کارمون با یه چیزی تموم شده باشه!

**I'm done with you, you can go.**

کارم باهات تمومه، میتونی بری.

### نکته ۳۶: ➤

وقتی میخوایم یه عملی رو گزارش کنیم که مثلاً دیدیم، حس کردیم یا شنیدیم که یه کسی یه کاری رو داره انجام میده کافیه قسمت اول جمله رو گذشته بگیم. یعنی یکی رو دیدم، شنیدم، حس کردم و بعدش فعل ing دار بیاریم!

**I heard** someone crying.

شنیدم یکی گریه میکنه.

**I saw** someone working.

دیدم یکی کار میکنه.

**I felt** something breaking.

حس کردم یه چیزی داره میشکته.

### نکته ۳۷: ➤

میخواین بگین مهم نیست فلان کارو چند بار انجام بدی ....

**No matter how many times** you fail.

مهم نیست چند بار شکست بخوری.

**No matter how much you eat.**

مهم نیست چقدر غذا بخوری.

**No matter how much you love someone.**

مهم نیست چقدر کسیو دوست داشته باشی.

و در ادامه در همون راستا یه جمله میگی که معنی بده، خیلی راحت!

**You must try again.**

باید دوباره تلاش کنی.

**You need to workout.**

باید ورزش کنی.

**You must try to be loyal.**

باید وفادار باشی.

## نکته ۳۸: ————— ➤

**had better**

الگوش به این صورته:

**I'd better do something**

وقتی از این الگو استفاده میکنیم، یعنی مصلحتاً توصیه شده که این کارو انجام

بدم و اگه انجامش ندم یه مسأله یا خطری به وجود میاد!

دقت کنین اینجا **had** اصلاً ربطی به گذشته نداره و مفهوم این جمله در حال

و آینده س!

بعد از **had better** هم شکل ساده ی فعل رو میاریم.

**I have an exam at 2:30 pm. I'd better go now or I'll be late.**

میگه من ساعت دو و نیم امتحان دارم. بهتره همین الان برم وگرنه دیر میرسم.

اگه نره، واسش مشکل پیش میاد!

**You'd better take an umbrella. It might rain.**

بهمتره با خودت چتر ببری. ممکنه بارون بیاد.

اگه نبری، خیس میشی!

برای ساختن حالت منفی کافیست به **not** بعد از **better** بیاریم.

یعنی بهمتره اونکار انجام نشه، اگه بشه مشکل پیش میاد!

**You don't look very well. You'd better not go out tonight.**

زیاد خوب بنظر نمیرسی. بهمتره امشب بیرون نری.



### نکته ۳۹:

فرق بین **should** و **had better** چیه؟!

خب، این دوتا به هم شبیه هستن، اما ما از **had better** فقط برای موقعیتهای

خالص استفاده میکنیم نه موقعیت ها و شرایط عمومی!

اما میتونیم از **should** توی تمام موقعیت ها برای پیشنهاد دادن یا نصیحت

کردن استفاده کنیم!

**It's late. You'd better go. / You should go.**

ببینید موقعیت خالصه، دیر شده، همیشه که دیر نمیشه، تو اون لحظه دیر شده،

اگه نره مشکل پیش میاد، پس باید از **had better** استفاده کنیم و همینطور از

**should** چون گفتیم که ازش توی تمام موقعیت ها استفاده میشه!

**You're always at home. You should go out more often.**

طرف همیشه خونه س، چیز خاصی نیست، پس از **should** استفاده میکنیم.

میگه تو همش خونه ای، بهمتره بیشتر بری بیرون.

و همینطور یادتون نره، با **had better** همیشه به مسأله یا خطری هست که

اگه اون توصیه رو رعایت نکنیم، برامون پیش میاد!

ولی وقتی کاری با **should** میاد، یعنی بهتره اون کار انجام بشه!

These cookies are delicious. You **should try** one.

این کلوچه ها خیلی خوشمزه‌س. بهتره یکیشو امتحان کنی. ( داره توصیه میکنه، امتحان هم نکنه اتفاقی نمی افته )

You'd **better** set your alarm. You will never wake up on time if you don't.

اینجا میگه بهتره زنگ ساعتو تنظیم کنی. اگه اینکارو نکنی به موقع بیدار نمیشی. ( اگه انجام نده، یه مسئله‌ای براش پیش میاد! )

#### نکته ۴۰: ➤

**It's time ...**

یه کاربرد خیلی ساده ش الگوی زیره:

**It's time + for somebody + to do something**

میخوایم بگیریم زمانشه که فلانی، فلان کارو بکنه!

It's time to go home.

وقت رفتن به خونه س.

It's time for us to go home.

وقتشه که بریم خونه.

اون قسمت **for somebody** میتونه حذف شه.

#### نکته ۴۱: ➤

حالا بیایم یکم پیشرفته تر یاد بگیریم:

**It's time + somebody + did something**

وقتی از این الگو استفاده میکنیم که اون شخص بهتر بوده اونکارو از از قبل انجام

میداده یا شروع به انجامش میکرد!

از این الگو بیشتر برای نقد کردن یا شکایت کردن استفاده میکنیم.

It's time we changed the oil in the car.

یعنی بهتر بود روغن ماشینو قبلاً عوض میکردیم. ( روغن باید عوض میشده اما خیلی وقته نشده )

It's time the train left.

طرف شاکیه، ناراحت، ۲۰ دقیقه س نشسته توی قطار، قطار تأخیر داره هنوز نرفته و اینو میگه.

میگه قطار باید رفته باشه دیگه!

It's time I had a party.

طرف عاشق مهمونیه، اما خیلیییی وقته مهمونی نرفته، الان شاکیه، ناراحت، داره میگه بهتر بود یه مهمونی میرفتم!

حالا اگه یه about قبل time اضافه کنیم قدرت نقدمونو بالا میره!

It's **about** time you did something instead of just talking.

بهتر بود به جای فقط حرف زدن یه کاری میکردی.

## نکته ۴۲: ➤

یکی از کاربردهای مهم would :

زمانی از would یا wouldn't استفاده میکنیم که، یه موقعیت یا اتفاق رو توی ذهنمون تصور میکنیم، یعنی درباره‌ی چیزی فکر میکنیم که واقعی نیست. دقت کنین بعد از would شکل ساده ی فعل میاد.

I **would call** Ali, but I don't have his number.

من به علی زنگ میزدم اما شمارشو ندارم ( قسمت اول جمله واقعی نیست، داره تصور میکنه. فکر میکنه که اگه شماره رو داشت زنگ میزد )

Why don't you go and see Akbar? He **would be** very pleased to see you.

چرا نمیری اکبرو ببینی ؟ خیلی خوشحال میشه از اینکه تورو ببینه. ( موقعیت واقعی نیست، داره فکر میکنه. داره تصور میکنه که اگه تو بری و اکبر رو ببینی، چقدر خوشحال میشه )

I'd like to go to Australia one day. It **would be** nice.

هردوتا جمله با would اومده. هر دو قسمت توی ذهن طرفه، داره فکر میکنه. میگه خیلی دوست دارم یه روز برم استرالیا، باحال میشه. ( نرفته که، داره فکر میکنه با خودش )

### نکته ۴۳: ————— ➤

گفتیم یکی از کاربردهای مهم would ، هنگامیه که یه موقعیت یا اتفاق رو توی ذهنمون تصور میکنیم و میخوایم راجع بهش حرف بزنیم. حالا

وقتی موقعیت ها یا اتفاقات رو توی گذشته تصور کنیم، الگو یکمی فرق میکنه:

#### would + have + p.p

یعنی بعد would دیگه شکل ساده ی فعل نیما.

بلافاصله have و بعدش شکل سوم فعل رو میاریم.

I **would have called** Ali, but I didn't have his number.

رفتیم توی گذشته!

میگه به علی زنگ میزد، اما شمارشو نداشتم.

دوتا جمله ی بعدی رو ببینید:

I'm not going to invite them to the party. They **wouldn't come**

anyway.

من نمیخواهم اونارو به مهمونی دعوت کنم . به هر حال اونا هم نمیان! ( تصور طرف  
اینه که اونا نمیان )

I didn't invite them to the party. They **wouldn't have come** anyway.

من اونارو به مهمونی دعوت نکردم . به هر حال اونا هم نمی اومدن! ( داره تصور  
میکنه که اگه دعوت هم میکردم نمی اومدن )

Why didn't you do the exam? I'm sure you **would have passed** it.

چرا امتحان ندادی؟! من مطمئنم پاسش میکردی. ( طرف داره در مورد یه اتفاق  
که مربوط به گذشته س فکر میکنه )

#### نکته ۴۴: ➤

وقتی بخوایم از کسی درخواست کنیم که یه کاری رو برامون انجام بده از can  
و could استفاده میکنیم.

**Can you** wait a moment please?

**Could you** wait a moment please?

میتونی لطفاً یه لحظه صبر کنی؟

میتونیم از will و would هم استفاده کنیم. اما can و could رایج تر هستند.

**Will you** do me a favor?

یه لطفی بهم میکنی؟

**Would you** please be quiet?

میشه لطفاً ساکت باشی؟

#### نکته ۴۵: ➤

برای درخواست کردن یه چیزی، میتونیم از ؛



can I have ... ? و could I have ... ? یا can I get .... ? استفاده کنیم.

**Can I have** these books, please?

**Can I get** these books, please?

**Could I have** the salt, please?

دقت کنین May I have.....? هم میتونیم بگیریم!

**May I have** these books, please?

## نکته ۴۶: ➡

یه زمانی هست که میخوایم درخواست کنیم که خودمون یه کاری رو انجام بدیم.

مثلاً میخوایم بگیریم میتونم از تلفن شما استفاده کنم ؟ میتونم کتابتو قرض بگیرم ؟!

چندتا الگو داریم

**Can I . . . ?**

**Could I . . . ?**

**May I . . . ?**

**Do you mind if I . . . ?**

**Is it all right if I . . . ?**

**Is it OK if I . . . ?**

دقت کنین may از can و could رسمی تره!

**Can I speak to Ali**, please?

میتونم با علی صحبت کنم، لطفاً؟

**Could I use your phone?**

میتونم از تلفن شما استفاده کنم؟

**May I come in?**

میتونم بیام داخل؟

**Do you mind if I use your phone?**

مسأله ای نیست اگه از تلفن شما استفاده کنم؟

**Is it all right if I come in?**

اوکیه اگه بیام داخل؟

### نکته ۴۷: ➤

دقت کنین که نمیگیم:

**Do you think you can take me to the station?**

میگیم:

**Do you think you could take me to the station?**

در واقع هنگام درخواست کردن از کسی برای انجام کاری، از الگوی زیر استفاده میکنیم:

**Do you think you/I could + do something?**

**Do you think I could borrow your car?**

فکر میکنی بتونم ماشینتو قرض بگیرم؟!

**Do you think you could make me dinner?**

فکر میکنی بتونی برام شام درست کنی؟!

### نکته ۴۸: ➤

ما از ...? would you like برای پیشنهاد دادن یا دعوت کردن استفاده میکنیم.

'Would you like a cup of coffee?' 'Yes, please.'

نه اینکه بگیریم:

**Do you like a cup of coffee?**

اینجا دیگه پیشنهاد یا دعوت نیست، داریم میپرسیم دوست داری یا نه!  
جوابش چیه؟!

Yes, I do / No, I don't

مثلاً:

**Would you like to eat with us tonight?**

دوست داری امشب با ما غذا بخوری؟

I'd love to.

بله که میخوام! برو بریم!

نکته ۴۹: ➡

وقتی چیزی رو تصور میکنیم که اتفاق نخواهد افتاد یا انتظار نداریم که اتفاق بیوفته، از ساختار زیر استفاده میکنیم:

**If + past**

و توی قسمت بعدی جمله، از **would** و **wouldn't** استفاده میکنیم.  
اما مفهوم و معنای جمله گذشته نیستتتتت!

**What would you do if you won a lot of money?**

اگه کلی پول میبردی چیکار میکردی؟!

**If I saw Akbar, I'd tell him to call you.**

اگه اکبرو میدیدم، بهش میگفتم بهت زنگ بزنه.

**If I won a lot of money, I would buy a house.**

اگه کلی پول میبردم، یه خونه میخریدم.

**If I went to bed now, I wouldn't sleep.**

اگه الان برم بخوابم، خوابم نمیره.

## نکته ۵۰: ➤

بعد از حروف اضافه فعل ing دار میاریم:

I saw a film **about** driving.

بعد از صفت مصدر با to میاریم:

We are **ready** to go.

## نکته ۵۱: ➤

وقتی شما به چیزی دارید و اون چیز رو میدید به یکی که روی اون به کاری انجام بده میتونیم از الگوی زیر استفاده کنیم:

**I have + something + p.p**

این p.p هم قسمت سوم فعل هست.

دقت کنین این ساختار گذشته نیست!

یعنی چی؟

مثلا:

I have my hair cut.

یعنی میدم موهامو کوتاه کنن.

نمیتونی بگی I cut my hair ، چون خودت اینکارو نمیکنی!

I have my car fixed.

ماشینمو میدم تعمیر کنن.

I have the wall painted.

دیوارو میدم رنگ کنن.

I have my car washed.

ماشینمو میدم بشورن.

## نکته ۵۲: ————— ➤

### Present Perfect Continuous

زمانی که می‌خواهیم در مورد یه عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال بطور مداوم انجام شده، صحبت کنیم از این زمان استفاده میکنیم. البته با توجه به شرایط، ممکنه اون کار ادامه هم پیدا کنه! یه الگوی ساده داره:

#### have / has + been + present participle

ing + فعل میشه present participle

ببینید:

**She's been practicing** piano for years.

اون سال ها داشته پیانو تمرین میکرد. این عمل در گذشته شروع شده، مداوم بوده، یعنی هی داشته تمرین میکرد و ممکنه حتی ادامه پیدا کنه.

**I've been listening** to classical music since I was a kid.

من از زمانی که کودک بودم داشتم به آهنگ های قدیمی گوش میدادم. پس در گذشته شروع شده، وقتی بچه بوده، مداوم هم هی گوش میداده تا حالا، حتی ممکنه بازم در آینده گوش کنه.

**What's Ali's violin doing on the table? Has he been practicing?**

ویولن علی رو میز چیکار میکنه؟! داشته تمرین میکرد؟  
توی گذشته نزدیک مثلاً یه ساعت پیش مشغول تمرین بوده (مداوم) و ویولنش هم رو میزه. یعنی شاید تا همین چند لحظه پیش داشته تمرین میکرد. یه نکته:

وقتی توی جمله هامون، **already**، **yet**، **before**، **ever**، داشته باشیم، باید از حال کامل استفاد کنیم نه حال کامل استمراری.

چرا؟! چون اینا برای توصیف یه عمل تمام شده بکار میرن.  
انجام شده و تموم شده رفته، زمانش مشخص نیست البته.

**She's already practiced piano this week.**

اون این هفته از قبل پیانو تمرین کرده.

### نکته ۵۳:

یه سؤال!

بله من از شما میخوام بپرسم!

فرق این دوتا جمله از لحاظ مفهوم و محتوا چیه؟

**I don't like traditional music.**

**What I don't like is traditional music.**

خب، جمله اول میگه من موسیقی سنتی دوست ندارم.

توی جمله دوم میگه چیزی که من دوست ندارم موسیقی سنتیه.

توی انگلیسی یکی از راههای تأکید روی مفهومی که درباره ش صحبت میشه، استفاده از قالب جمله دومه.

**What** رو میزاریم اول جمله و یه فعل **to be** مناسب هم در ادامه میاریم.

**He doesn't understand English.**

**What he doesn't understand is English.**

**They really loved pizza.**

**What they really loved was pizza.**

### نکته ۵۴:

اگه **try** رو به همراه یه فعل **ing** دار بیاریم به معنی آزمایش کردن یا تلاش برای حل یه مشکل هستش.

I **tried sending** her flowers but it didn't have any effect.

گل هم براش فرستادم اما هیچ اثری نداشت.

اگر **try** به همراه مصدر با **to** بیاد، به معنی سعی کردن در انجام کاری هست (که بیشتر اوقات با عدم موفقیت همراه). معمولاً به انجام یک کار سخت اشاره دارد:

Please **try to understand**.

خواهش میکنم سعی کن بفهمی.

I once **tried to learn** Japanese.

یه بار سعی کردم ژاپنی یاد بگیرم.

## نکته ۵۵: ————— ➤

کاربرد **left**

صفت مفعولی **left** یعنی مانده، باقی مانده، هنوز موجوده!

ایشون اگر با فعل **to be** بیاد به معنی باقی ماندن هست.

ایشونو بعد از اسم و کلماتی مثل **anything**، **nothing**، **nobody** بکار میبریم.

حالا مثال هارو ببینید:

There are some fried eggs **left**, if you're hungry.

اگر گرسنه هستی، یه کمی نیمرو باقی مونده.

I'll have another cup of tea if there's any **left**.

من یه فنجان چای دیگه میخوام اگر مونده.

How many tickets are **left**?

چندتا بلیط باقی مونده!؟

There's nothing **left** in the fridge.

چیزی تو یخچال باقی نمونده.

## نکته ۵۶: ➤

**as much/many + ... + as + ...**

خب از این الگو زمانی که بخواهیم در مورد کمیت یه چیزی صحبت کنیم استفاده میکنیم.

I haven't got as much money as I thought.

اون پول زیادی رو که فکر میکردم رو بدست نیاوردم.

We need as many people as possible.

هر تعداد آدمی که ممکنه رو نیاز داریم.

حالا ، میتونیم بعد از as much/many اسم نیاریم!

یعنی اون جای خالی اول رو همینطور خالی بزاریم!

I ate as much as I could.

تا اونجایی که تونستم خوردم.

## نکته ۵۷: ➤

سه تا الگو برای prefer یاد بگیرید و تمام!

**Prefer**

**I prefer something to something else.**

من یه چیزی رو به چیز دیگه ترجیح میدم.

I **prefer** this coat to the coat you were wearing yesterday.

من این کت رو به اون کتی که دیروز پوشیده بودی ترجیح میدم.

**I prefer doing something to doing something else.**

من انجام یه کاری رو به انجام یه کار دیگه ترجیح میدم.

I prefer driving to traveling by train.



من رانندگی رو به مسافرت با قطار ترجیح میدم .

**I prefer to do something rather than (do) something else.**

**I prefer to drive rather than travel by train.**

من سفر کردن با ماشینوبه قطار ترجیح میدم.

نکته ۵۸: ➤

دقت کنین که **would rather** و **would prefer** شبیه هم هستن ولی بعد از **would rather** شکل ساده فعل میاریم و بعد از **would prefer** مصدر با **to** میاریم.

**I'd prefer to drive.**

من ترجیح میدم رانندگی کنم.

**I'd rather drive.**

من ترجیح میدم رانندگی کنم.

نکته ۵۹: ➤

یه الگوی جالب ولی عجیب و غریب!

**I'm going to have to do something**

یکم عجیب غریب بنظر میاد!

ولی جالبه!

یه کاربرد این عبارت برای صحبت کردن در مورد چیزیه که نیاز داریم انجامش بدیم اما ممکنه شنونده رو برنجونه و ناراحت کنه.

**I'm going to have to change your seat.**

مفهوم این جمله اینه که لازمه جای شمارو عوض کنم با اینکه ممکنه شمارو ناراحت کنه ولی باید اینکارو بکنم!

I'm going to have to charge you extra for that ... sorry!

مفهوم این جمله اینه که لازمه که من پول بیشتری از شما بگیرم و این ممکنه  
شمارو ناراحت کنه ، متاسفم!

حالا فرقتش با going to need to چیه ؟!

going to have to صمیمی تر بنظر میرسه.



### نکته ۶۰:

یه الگوی خیلییییی کاربردی با I'd rather

**I'd rather somebody did something.**

در این الگو از فعل گذشته استفاده میشه ولی معنا و مفهومش زمان حاله!  
تصور کنین با دوستتون دارین درمورد اینکه کی رانندگی کنه صحبت میکنین،  
دوستتون میگه کی قراره رانندگی کنه؟! و شما میگرد ترجیح میدم تو میروندی!  
عین همین تو انگلیسی هست و با این ساختار بکار میره!

" Who's going to drive? You or me? "

" I'd rather you **drove**. "

I'd rather he **did** it today.

ترجیح میدم امروز این کارو انجام بده.

I'd rather you **made** dinner now.

ترجیح میدم الان غذا درست کنی.

خب حالا منفی این ساختار چی میشه ؟!

**I'd rather you didn't do something.**

I'd rather you **didn't** tell anyone what I said.

ترجیح میدم به کسی نگي که چی گفتم.

## نکته ۶۱: ➤

بعد از before و after فعل به صورت ing دار میاد.

**Before going out, I phoned Akbar.**

قبل از اینکه برم بیرون به اکبر زنگ زدم.

What did you do **after finishing** school?

بعد از تموم کردن مدرسه چیکار کردی؟!

درسته جمله گذشته س، ولی بعد از after ، فعل به صورت ing دار میاد.

حالا همینارو جور دیگه هم میشه گفت:

**Before going out, I phoned Akbar.**

**Before I went out, I phoned Akbar.**

What did you do **after finishing** school?

What did you do **after you finished** school?

## نکته ۶۲: ➤

زمانی که بخوایم بگیم یه چیزی چجوری اتفاق میوفته، بعد از by فعل ing دار میاریم.

The burglars got into the house **by breaking** a window and **climbing in**.

دزدها (چجوری؟) با شکستن پنجره و پریدن داخل خونه وارد خونه شدن.

You can improve your English **by reading** more.

تو میتونی انگلیسیتو (چجوری؟) با بیشتر مطالعه کردن تقویت کنی.

She made herself ill **by not eating** properly.

اون خودشو (چجوری؟) با درست غذا نخوردن مریض کرد.

### نکته ۶۳: ➤

قبلِ یه مصدر، ما معمولاً از agree استفاده میکنیم نه accept.

I **agreed** to meet them there.

این خیلی نرمال تره تا اینکه بگیم:

I **accepted** to meet them there.

یعنی من موافقت کردم که اونارو اونجا ببینم.

### نکته ۶۴: ➤

الگوهای کاربردی با too و enough ( ۱ )

**too... for somebody/something**

**enough ... for somebody/something**

**... enough for somebody/something**

ما از این الگوها خیلی میتونیم استفاده کنیم.

بعد از too صفت میاد و اصولاً بار معنایی جمله منفیه.

بعد از enough اسم میاد.

قبل enough صفت میاد.

با مثال یاد بگیرید :

Does Akbar have enough experience for the job?

اکبر تجربه کافی برای این شغل رو داره؟

This bag isn't big enough for all my clothes.

این کیف برای همه ی لباس های من به اندازه ی کافی بزرگ نیست.

That shirt is too small for you.

اون پیراهن خیلی برات کوچیکه.

## نکته ۶۵: ➤

الگوهای کاربردی با too و enough ( ۲ )

**too... to do something**

**enough ... to do something**

**... enough to do something**

مثال هارو ببینید :

Does Akbar have enough experience to do the job?

آیا اکبر تجربه کافی برای انجام کارو رو داره ؟

نباید بگیم :

Does Akbar have enough experience ~~for doing~~ the job?

مثال بعدی :

We don't have enough money to go on holiday right now.

ما الان برای رفتن به تعطیلات پول کافی نداریم.

She's not old enough to have a driving license.

سنش به اندازه ی کافی زیاد نیست که گواهینامه داشته باشه.

She's too young to have a driving license.

برای داشتن گواهینامه خیلیییییی جوونه.

Let's get a taxi. It's too far to walk home from here.

بیا تاکسی بگیریم. پیاده رفتن به خونه از اینجا خیلی دوووووره .

## نکته ۶۶: ➤

یه نکته ریز در مورد apologize

دقت کنین میگیریم:

**apologize for doing something**

You must apologize for not telling the truth.

تو باید بابت اینکه حقیقت رو نگفتی عذرخواهی کنی.

**apologize to someone for doing something**

I apologized to them for keeping them waiting.

از اینکه منتظرشون گذاشتم ازشون عذرخواهی کردم.

نکته ۶۷: ➡

بعد از این اصطلاحات پایینی فعل به صورت ing دار میاد.

**It's no use**

There is nothing you can do about the situation, so **it's no use worrying about it**.

در مورد این موقعیت هیچ کاری نمیتونی بکنی، پس نیازی نیست درباره ش نگران باشی.

**It's no good**

**It's no good trying to persuade me.** You won't succeed.

اینکه تلاش میکنی منو ترغیب کنی خوب نیست . موفق نمیشی.

**There's no point in ...**

**There is no point in having a car** if you never use it.

هیچ دلیلی نداره ماشین داشته باشی اگه اصلاً ازش استفاده نمیکنی.

**There was no point in ...**

**There was no point in waiting** any longer, so we left.

هیچ دلیلی نداشت ما بیش از این منتظر بمونیم، پس رفتیم.

### نکته ۶۸:

بعد از این عبارات فعل به صورت ing دار میاد.

**have trouble** doing something

**have difficulty** doing something

**have a problem** doing something

I had no trouble finding a place to stay.

من برای پیدا کردن یه جا برای موندن هیچ مشکلی نداشتم.

Did you have any difficulty getting a visa?

برای گرفتن ویزا هیچ مشکلی نداشتی؟

People sometimes have problems reading my writings.

مردم گاهی وقتا توی خوندن نوشته های من مشکل دارن.

### نکته ۶۹:

یه الگوی کاربردی کاربردی!

**spend / waste (time) + doing something**

وقتی بخوایم بگیم برای انجام کاری اینقدر وقت هدر دادیم، یا اینقدر وقت صرف کردیم یا میکنیم، میتونیم از این ساختار استفاده کنیم، مثلاً:

He spent hours trying to repair the clock.

اون ساعت هایی رو برای تعمیر ساعت گذروند.

I waste a lot of time doing nothing.

من کلی زمان رو بیهوده هدر میدم.

### نکته ۷۰:

(be) **busy doing** something

وقتی بخوایم بگیم به انجام کاری مشغول بودیم، سرمون به کاری گرم بوده از این ساختار استفاده میکنیم.

I was too **busy doing** other things.

بشدت مشغول انجام کارهای دیگه بودم.

She was **busy going out**.

اون مشغول بیرون رفتن بود.



## نکته ۷۱:

چندتا نکته در مورد **for** و **to**

**اول** اینکه میتونیم بعد از **for** اسم بیاریم اما بعد از **to** همیشه فعل میاد.

We stopped **for petrol**.

ما برای بنزین وایسادیم.

We stopped **to get petrol**.

ما وایسادیم تا بنزین بگیریم.

**دوم** اینکه میتونیم از این الگو استفاده کنیم و همزمان **for** و **to** رو داخل یه جمله بیاریم.

## **for somebody to do something**

There weren't any chairs for us to sit on, so we sat on the floor.

هیچ صندلی ای برای ما نبود که بشینیم، برای همین روی زمین نشستیم.

**سوم** اینکه وقتی میخوایم در مورد هدف کلی یه چیزی صحبت کنیم یا اینکه بگیم به طور کلی اون چیز برای چی استفاده میشه، میتونیم هم از **for - ing** استفاده کنیم هم از **to**.

I use this brush **for washing the dishes**.

I use this brush **to wash the dishes**.



من از این برس برای شستن ظرف‌ها استفاده می‌کنم. ( طرف به طور کلی از اون برسه برای شستن ظرف‌ها استفاده میکنه )  
اما!!!! وقتی می‌خوایم بگیم که چرا!!! یه نفر یه کاری رو انجام میده نمیتونیم از for – ing استفاده کنیم.

I went into the kitchen **to wash the dishes**.

رفتم به آشپزخونه ( چرا!!!! ؟ ) که ظرف هارو بشورم.  
نمیتونیم بگیم:

I went to the kitchen ~~for washing the dishes~~.

## نکته ۷۲: ➤

توی دو حالت به جای to ... از so that استفاده میکنیم.  
یک: وقتی الگوی هدفمون منفیه.

I hurried **so that I wouldn't** be late.

من عجله کردم تا دیر نکنم. ( اینجا هدف دیر نکردن و شکلش منفیه )

Eat something now **so that you won't** get hungry later.

الان یه چیزی بخور تا بعد گرسنه ت نشه. ( هدف: گرسنه نشدن – منفیه )  
دو: به همراه can و could

She's learning English **so that she can** study in Canada.

داره زبان یاد میگیره تا بتونه توی کانادا درس بخونه.

We moved to London **so that we could** see our friends more often.

ما به لندن نقل مکان کردیم تا بتونیم دوستانمونو بیشتر ببینیم.

## نکته ۷۳: ➤

یه الگوی کاربردی یاد بگیریم.

**It's nice of somebody to do something**

**It was nice of you to take me to the airport.**

این لطف شما بود که منو به فرودگاه بردی.

**It's very nice of you to help me.**

اینکه کمکم میکنین نهایت لطف شماست.

حالا به جای nice میتونیم صفت های دیگه هم بیاریم.

**kind / generous / mean / careless / silly / stupid / unfair**

**It's silly of you to give up your job when you need the money.**

این حماقت توعه که بیخیال کارت بشی وقتی به پولش نیاز داری.

**I think it's unfair of him to criticize me.**

فکر کنم از بی انصافیه اونه که منو نقد کنه.



#### نکته ۷۴:

**I am afraid to do something**

این الگو به معنیه اینه که شما نمیخوااین اون کارو انجام بدین بخاطر اینکه خطرناکه یا میتونه نتایج بدی داشته باشه.

ما از این الگو برای انجام کارهایی که عمدی هست استفاده میکنیم، یعنی خودمون از عمد انتخاب میکنیم که انجامش بدیم یا ندیم.

**This part of town is dangerous. People are afraid to walk here at night.**

این قسمت شهر خطرناکه. مردم میترسن که شب اینجا پیاده روی کنن.

**Ali was afraid to tell his parents what had happened.**

علی میترسید به خانواده ش بگه که چه اتفاقی افتاده بود.

یعنی در حقیقت بخاطر این ترس، خودتون تصمیم میگیرید که اون کارو انجام

ندید.

## نکته ۷۵:

### I am afraid of something happening

زمانی از این الگو استفاده میکنیم که ممکنه چیز بدی در آینده اتفاق بیوفته مثل یه تصادف!

پس ما از این الگو برای کارهایی که عمداً انجام میدیم استفاده نمیکنیم.

The path was icy, so we walked very carefully. We **were afraid of falling.**

مسیر یخبندان بود، برای همین ما خیلی با دقت راه رفتیم، ما از افتادن میترسیدیم.

افتادن دست خودشون نیست، که از عمد بیوفتن یا نیوفتن، ممکنه این اتفاق بیوفته.

I don't like dogs. I'm always **afraid of being bitten.**

من سگ هارو دوست ندارم. همیشه از اینگه گاز گرفته بشم میترسم.  
اینکه توسط یه سگ گاز گرفته بشه دست خودش نیست که، ممکنه اتفاق بیوفته.

## نکته ۷۶:

gone یا been؟! مسئله این است!

ما معمولاً زمانی که بخوایم اشاره کنیم که یه جایی رو کامل دیدیم، به طور کامل یه جایی بودیم و کارمونو انجام دادیم، به جای gone to از been to استفاده میکنیم.

Have you ever been to Shiraz?

تا حالا شیراز بودی؟ ( اینجا منظور اینه که تا حالا شیرازو کامل دیدی؟ )  
Akbar has just been to the shop. He bought some cakes. Would

you like one?

اکبر تازه فروشگاه بوده ( رفته ، کارشو انجام داده و برگشته ) . مقداری کیک خریده ، يدونه ميخواي ؟  
پس وقتی منظورمون اينه اشتباهه بگيم :

Have you ever **gone** to Shiraz?

زمانی از **gone** استفاده میکنیم که دیدن اون جارو کامل انجام نداده باشیم ،  
یا به طور کامل کارمونو اونجای مورد نظر انجام نداده باشیم.  
مثلا :

Akbar has just gone to the shop. He will back in about 1 hour.

اکبر تازه رفته فروشگاه . تا حدود يه ساعت ديگه برميگرده.  
تازه رفته ، هنوز کارشو کامل انجام نداده !

## نکته ۷۷: ➤

وقتی بخوايم بخاطر کاری که در گذشته انجام داديم عذرخواهی کنیم ميتونيم  
از الگوهای زیر استفاده کنیم:

**Sorry for doing something**

**Sorry about doing something**

مثلاً:

I'm sorry for shouting at you yesterday.

بابت اينکه ديروز سرت داد زدم متأسفم.

I'm sorry about being late last night.

بابت اينکه ديشب دير کردم متأسفم.

## نکته ۷۸: ➤

### یکی از کاربردهای **already**

زمانی استفاده میشه که بخوایم بگیم یه چیزی قبل از لحظه ی الان یا قبل از یه لحظه ی مشخصی اتفاق افتاده.

مثلا با رفیقت رفتی شام بیرون ، بعد که غذا تموم شد هر دو میرید سمت صندوق برای حساب کتاب ، دست میکنی توی جیب و کیفتو درمباری که رفیقت میگه :

" Put your wallet away. I've **already** paid for everything. "

کیفتو بزار کنار . من قبلا همه چیو حساب کردم.

دوستش از **already** استفاده کرد ، چون قبل از لحظه ی حساب کردن ، حساب کتاب غذاهارو انجام داده بود!

I'd **already** left by the time you called.

قبل اینکه تو زنگ بزنی من رفته بودم.

I **already** told you not to come over.

من از قبل بهت گفته بودم که نیای اینجا.

### نکته ۷۹: ————— ➤

وقتی یه کسی یه کاری انجام میده یعنی

Somebody did something

و شما اینو دیدین، یعنی

I saw this.

و حالا میخواین بگید که من دیدم که فلانی اون کارو انجام داد از الگوی زیر استفاده میکنیم:

**I saw somebody do something**

دقت کنین نیازی به آوردن **to** قبل از **do** نیست. جای **do** هم که میتونیم

هر فعلی خواستیم بیاریم.

این الگو زمانی کاربرد دارد که شما ببینید چه کسی چه کاری رو انجام داده و تمام.  
در حقیقت از اول تا آخر انجام اون کارو ببینید. مثلاً:

I saw Ali get into his car.

دیدم علی سوار ماشینش شد.

I saw Akbar go out.

دیدم اکبر رفت بیرون.

I didn't see anybody go out.

ندیدم کسی بره بیرون.

I saw you take it.

دیدم برش داشتی.

I saw you lock it.

دیدم قفلش کردی.

## نکته ۸۰: ➤

حالا وقتی شما یکی رو میبینید،

I saw somebody

و در لحظه ی دیدن، اون شخص در حال انجام کاری بوده یعنی

Somebody was doing something.

و حالا میخوانین بگید که دیدم فلانی داشت اینکارو انجام میداد، از الگوی زیر استفاده میکنیم:

**I saw somebody doing something**

مثلاً:

I saw Akbar waiting for a bus.

دیدم اکبر منتظره اتوبوسه.

We saw Sekineh and Akbar playing tennis.

سکینه و اکبرو دیدیم که داشتن تنیس بازی میکردن.

I saw Maryam running.

دیدم مریم داشت می دوید.

## نکته ۸۱:

حالا این دوتا الگو رو میشه با خیلی از فعل های دیگه هم بکار برد.  
به مثال های زیر توجه کنین:

I didn't hear you came in.

نشنیدم اومدی داخل.

Ali suddenly felt somebody touch his on the shoulder.

علی یه دفعه متوجه شد یکی داره شونه شو لمس میکنه.

Did you notice anyone go out?

متوجه نشدی کسی بره بیرون؟

I could hear it raining.

میتونستم بشنوم داره بارون میاد.

Listen to the bird singing.

به پرنده که داره میخونه گوش بده.

Can you smell something burning?

حس میکنی یه چیزی داره میسوزه؟

Listen! Can you hear a baby crying?

گوش کن! صدای یه بچه که در حال گریه کردن هست رو می تونی بشنوی؟

## نکته ۸۲: ————— ➤

وقتی دوتا چیز همزمان اتفاق میوفتن میتونیم از افعال ing دار استفاده کنیم.  
یعنی چی؟!

مادرتون توی آشپزخونه س و داره قهوه درست میکنه.  
همزمانه دیگه، اونایی که تازه زبان شروع کردن و تازه حال استمراری رو یاد گرفتن میگن:

My mother is in the kitchen and she is making coffee.

اما اونایی که حرفه ای تر هستن اینجوری میگن:

My mother is in the kitchen **making coffee**.

مثلاً میبینید که یه مرد در حالی که از خونه میومده بیرون داشته فریاد میزنه.  
اون تازه کارها میگن:

A man ran out of the house and he was shouting.

اما حرفه‌ای ترها میگن:

A man ran out of the house **shouting**.

حالا مثال های بیشتری ببینید:

She was sitting in an armchair **reading a book**.

روی مبل راحتی نشسته بود و داشت کتاب میخوند.

Ali opened the door carefully **trying not to** make a noise.

علی در حالی که تلاش میکرد سروصدا نکنه با احتیاط در رو باز کرد.

Akbar was in Tehran for two years **working** in a bookshop.

اکبر به مدت دو سال تهران بود و در یه کتاب فروشی کار میکرد.

## نکته ۸۳: ————— ➤

وقتی یه عملی در حین انجام یه عمل دیگه اتفاق میوفته هم میتونیم از عبارات



ing دار استفاده کنیم.

دقت کنین اون عملی که طولانی تره ing میگیره.  
مثلاً شما داری فوتبال بازی میکنی، پات آسیب میبینی، اینجا میتونی از عبارات ing دار استفاده کنی و بگی:

I hurt my leg **playing football**.

بین آسیب دیدن پا و فوتبال بازی کردن، کدوم طولانی تره؟! فوتبال بازی کردن  
دیگه! پس ing رو میزاریم آخر اون.  
مثال دوم:

داشتی صورتتو اصلاً میکردی، زدی فک و فیسو زخم کردی و بریدی.  
میگی:

I cut myself **shaving**.

حرفه ای ها اینجوری میگن.  
آمارتورها چجوری میگن:

I cut myself while I was shaving.

حالا مثال هارو ببین:

I fell asleep **watching TV**.

داشتم تلویزیون میدیدم که خوابم برد.

A friend of mine slipped and fell **getting off a bus**.

یکی از دوستانم وقتی داشت از اتوبوس پیاده میشد (عمل طولانی تر) سر خورد افتاد.

I got very wet **walking home in the rain**.

وقتی داشتم توی بارون میومدم خونه (عمل طولانی تر) خیلی خیس شدم.

Akbar had an accident **driving to work yesterday**.

اکبر وقتی دیروز داشت با ماشین میرفت سر کار (عمل طولانی تر) تصادف کرد.

## نکته ۸۴: ➤

به جمله ی زیر نگاه کنین.

**Because I felt tired, I went to bed early.**

چونکه خسته بودم زود رفتم به تخت خوابم.

خب، حالا میخوایم این جمله رو به جور دیگه بگیم!

**Feeling tired, I went to bed early.**

وقتی بخوایم به چیزی رو توضیح بدیم یا دلیل اینکه چرا به کسی به کاری رو

انجام میده رو بگیم، میتونیم از شکل ing دار فعل، اول جمله استفاده کنیم.

**Being unemployed, he doesn't have much money.**

چونکه بیکاره، پول زیادی نداره.

**Not having a car, she stays home.**

چون ماشین نداره، خونه می مونه.

**Being a vegetarian, Ali doesn't eat any kind of meat.**

چون سبزی خواره، علی هیچ مدل گوشتی نمیخوره.

**Not knowing his email address, I wasn't able to contact him.**

چون ایمیلشو نمیدونستم، نمیتونستم باهاش در تماس باشم.

دقت کنین این الگو بیشتر در نوشتار استفاده میشه تا گفتار.

## نکته ۸۵: ➤

دقت کنین

**every/everybody/everyone/everything**

اینا همه مفرد هستن، پس باید فعل مفرد هم باهاشون بیاریم!

**Every seat in the theater was taken.**

همه ی صندلی های توی سالن تئاتر گرفته شده بود.

**Everybody** has arrived.

همه رسیدن.

اما یادت باشه بعد از everybody/everyone از they/them/their استفاده میکنیم.

**Everybody** said they enjoyed the party.

همه گفتن از مهمونی لذت بردن.

## نکته ۸۶: ————— ➡

### Whole

Whole به معنی تمام یه چیزی، کل یه چیزی، به طور کامل هست!  
یادت باشه ما بیشتر به همراه whole از اسامی مفرد استفاده میکنیم.

Did you read **the whole book**?

کل کتاب رو خوندی؟

Akbar has lived his **whole life** in Tehran.

اکبر کل دوران زندگیشو توی تهران زندگی کرده.

I was so hungry; I ate a **whole packet** of biscuits.

من خیلی گرسنه بودم، یه پاکت کامل بیسکویت هارو خوردم.

I read **the whole book**.

من کل کتاب رو خوندم.

**The whole team** played well.

کل تیم خوب بازی کرد.

They searched **the whole house**.

کل خونه رو گشتن.

یه نکته ریز:

معمولاً از whole به همراه اسامی غیرقابل شمارش استفاده نمیکنیم!

~~I've spent the whole money you gave me.~~

I've spent all the money you gave me.

**نکته دوم:**

اگر بخواهیم از the/my/her و این چیزها استفاده کنیم باید قبل از whole بیان!

**Her** whole life.

**The** whole team.

اما با all اینجوری میان:

All **her** life.

All **the** team.

**نکته ۸۷:**

گفتیم که وقتی بخواهیم در مورد عملی صحبت کنیم که در گذشته شروع شده

و هنوز ادامه داره از زمان حال کامل استمراری استفاده میکنیم.

با توجه به شرایط ممکنه حتی انجام اون عمل تا آینده هم ادامه پیدا کنه.

یه الگوی ساده داره:

**have / has + been + verb + ing**

She's **been practicing** piano for years.

اون سال ها داشته پیانو تمرین میکرده.

I've **been listening** to classical music since I was a kid.

از زمانی که بچه بودم داشتم موسیقی سنتی گوش میدادم.

اصطلاحات و عبارات زیر معمولاً در زمان حال کامل استمراری برای توصیف

عملی که ادامه داره استفاده میشه:

**for (2 months) / for a while / since (1980) / lately / recently /**

**all day / these days / this (year) / how long**

۲ تا نکته:

۱- از حال کامل هم میتونیم توی این شرایط استفاده کنیم و تفاوت زیادی توی معنی ندارن.

**She's been practicing** piano for years.

**She's practiced** piano for years.

اگرچه وقتی توی جمله ای کلمات **already , yet , before , ever** باشه باید از حال کامل استفاده کنیم.

**She's already practiced** piano this week.

اون این هفته پیانو تمرین کرده. ( از قبل اینکارو کرده )

**Have you ever studied** English?

تا حالا زبان خوندی؟

۲- وقتی یه نشونه ای از اینکه کار به تازگی تموم شده وجود داشته باشه، باید از حال کامل استمراری استفاده کنیم.

What's Ali's violin doing on the table? **Has he been practicing**?

ویولن علی روی میز چیکار میکنه؟ داشته تمرین میکرده ؟ ( بودن ویولن روی میز داره نشون میده که تمرین کردن ویولن به تازگی تموم شده )

نکته ۸۸: ————— ➤

دقت کنین که کلمات زیر مفردن!

**somebody/someone/anybody/anyone**

پس با فعل مفرد میان!

Someone **is** here to see you.

یکی اینجاست که ببیننت.

Anybody is here.

هیشکی اینجا نیست.

اما

بعد از این کلمه ها باید از they/them/their استفاده کنیم.

Someone has forgotten **their** umbrella.

یه نفر چترشو فراموش کرده.

If anybody wants to leave early, **they** can.

اگه کسی خواست زود بره، میتونه.

## نکته ۸۹: ➤

یکی از کاربردهای as well

ایشون قید هستن! معمولا آخر جمله میاد!

دوتا معنی کاربردی داره ، یک : بعلاوه!

دو : همینطور ، همچنین!

مثال هارو ببین :

I'd like a cup of coffee and a glass of water **as well**.

من یه فنجان قهوه میخوام بعلاوه یه لیوان آب.

مثلا :

We look forward very much to seeing you again and to meeting your wife **as well**.

ما خیلی مشتاقیم که دوباره شمارو ببینیم و همینطور همسرتونو.

یعنی هم مشتاق هستیم خودتو دوباره ببینیم ، هم دوست داریم همسرت رو

ببینیم!

## نکته ۹۰:

یه نکته در مورد **all the time** و **every time**

با مثال براتون می‌گم:

They never go out. They are at home all the time.

**all the time**

یعنی: همیشه.

اوونا هیچ وقت بیرون نمی‌رن، همیشه خونه‌ان.

I don't like the weather here. It rains all the time

من آب و هوای اینجا رو دوست ندارم. همیشه بارون میاد.

**Every time**

یعنی: هر دفعه.

Every time I see you, you look different.

هر دفعه که می‌بینمت، متفاوت بنظر میرسی.

## نکته ۹۱:

استفاده از **much** توی جملات مثبت رایج نیست.

We didn't have **much** time.

ما وقت زیادی نداشتیم.

We spent **a lot of** money.

ما کلی پول خرج کردیم ( جمله مثبته )

" Do you see Akbar **much**? "

" I see Akbar **a lot**. "

من اکبرو زیاد می‌بینم ( جمله مثبته )

ولی استفاده از **many** و **a lot of** در تمام جملات اوکیه.

**Many** people drive too fast.

خیلی از آدمها بیش از حد تند رانندگی میکنند.

Do you know **a lot of** people?

آدمهای زیادی رو میشناسی؟

There aren't **many** tourists here.

توریست های زیادی اینجا نیستن.



## نکته ۹۲:

تفاوت little و a little

تفاوت few و a few

تفاوتاشونو با مثال بررسی میکنیم.

**little = not much**

He spoke **little** English, so it was difficult to communicate with him.

وقتی از little به تنهایی استفاده میکنیم، منظورمون اینه که اون چیز (غیر قابل شمارش) به اندازه ی کافی نیست! به اندازه ای که باید باشه یا دوست داریم باشه نیست.

اون خیلی کم انگلیسی حرف میزد، برای همین ارتباط برقرار کردن باهاش سخت بود.

Akbar is very busy with his job; he has **little** time for other things.

اکبر خیلییییی سرگرم کارشه، برای بقیه کارهاش وقت کمی داره.  
یعنی اونقدری که میخواد وقت نداره، اونقدری که نیازه وقت نداره.

**few = not many**

وقتی از few به تنهایی استفاده میکنیم، منظورمون اینه که اون چیز ( قابل



شمارش ) به اندازه ی کافی نیست . به اندازه ای که باید باشه یا دوست داریم باشه نیست.

She has **few** friends here.

اون دوست های کمی اینجا داره.

اونقدری که دلش میخواد دوست داشته باشه، نداره! دوستاش به اندازه ی کافی نیستن!

### **a little = some, small amount**

وقتی از a little استفاده میکنیم که اون چیز غیرقابل شمارشی که داریم دربارهش صحبت میکنیم به اندازه ی کافی هست!

Let's go and have coffee, we have a **little** time.

بیا بریم قهوه بخوریم، یکم وقت داریم. ( وقت برای قهوه خوردن هست )

### **a few = some, small number**

وقتی از a few استفاده میکنیم که اون چیز قابل شمارشی که داریم دربارهش صحبت میکنیم به اندازه ی کافی هست!

I enjoy my life here. I have **a few** friends.

من از زندگیم لذت میبرم. چندتا دوست دارم. ( به اندازه ی کافی رفیق دارم )

## نکته ۹۳: ————— ➤

**all / some / any / most / much / many / little / few**

میتونیم بعد از این کلمات اسم بیاریم!

**All** cars have wheels.

**Some** cars can go faster than others.

**Many** people drive too fast.

I'm at home **most** days.

خواست باشد نمیتوانیم بگویم:

~~All of cars~~

~~Some of people~~

اگر بخواهیم بعد از این کلمات از **of** استفاده کنیم، باید بعد از **of** یکی از کلمات زیر رو بیاریم.

**the ... / this ... / those ... / my ... / these ...**

Some of **the people**

Some of **those people**

Most of **my time**

Most of **the time**

Some of **the people I work with** are not very friendly.

I was sick yesterday. I spent most of **the day** in bed.

حالا تفاوت این دو حالت چیه؟! با مثال میگویم براتون.

**All flowers** are beautiful.

همه گل ها خوشگلن. (منظور همه ی گل های دنیاس، داریم کلی صحبت میکنیم)

**All of the flowers in this garden** are beautiful.

همه ی گل های توی این باغ خوشگلن. ( اینجا دیگه منظورش کلی نیست، یه گروه خاصی از گل ها رو داره میگو)

**Most problems** have a solution.

بیشتر مسائل یه راه حل دارن. ( داره کلی حرف میزنه )

We were able to solve **most of the problems we had**.

ما قادر بودیم بیشتر مسائلی که داشتیم رو حل کنیم. ( اینجا منظور مسائل خودشونه، مسأله ی خاص، دیگه کلی نیست. )

## نکته ۹۴:

یه نکته مهم و کاربردی از حال استمراری وقتی بخوایم در مورد یه عملی که بیش از چیزی که انتظار میره اتفاق میوفته صحبت کنیم و اون عمل باعث حسادت ما بشه یا اعصابمونو خورد کنه و شکایت مارو در پی داشته باشه از حال استمراری برای بیان استفاده میکنیم. اینجور وقتا کلماتی مثل *always , constantly , continually , forever* استفاده میشه.

مثلاً مادرتون همیشه بهتون میگه که توی خونه زیاد کمک نمیکنین. اول اینکه مادرتون بیش از اون چیزی که انتظار دارید به شما گیر میده. دوم اینکه این عمل شکایت از شماست و اعصابتونو خورد میکنه. پس میگیم:

**My mother is always saying I don't help enough.**

مثلاً رفیقتون همیشه در حال دیدن جاهای دیدنی! اول اینکه بیش از اون چیزی که انتظار میره رفیقتون داره اینور اونورو میبینه! دوم اینکه این باعث حسادت شما شده. شما که طولانی ترین سفرتون تا مغازه‌ی عمو سبزی فروش سر کوچه س، براتون سنگینه که رفیقتون همش داره میگرده! پس میگیم:

**He's always visiting exciting places.**

## نکته ۹۵:

**both/neither/either**

آقا از این سه تا برای دو تا چیز استفاده میکنیم. یعنی وقتی داریم درباره ی دو تا چیز مثلاً دو تا کتاب، دو تا فیلم، دو تا رستوران و ... صحبت میکنیم میتونیم از اینا استفاده کنیم.

دوم اینکه از اینا به همراه اسم استفاده میکنیم. بعدشون اسم میاد.  
مثلاً میخوای بری بیرون غذا بخوری. دو تا رستوران توی محله تون هست. میگی:

**Both** restaurants are very good.

هر دو تا رستوران خیلی خوبن.

**Neither** restaurant is expensive.

هیچکدوم گرون نیستند.

دقت کن بعد از **neither**، رستوران مفرد اومده.

We can go to **either** restaurant. I don't mind.

میتونیم به هر کدوم رستورانی که خواستیم بریم (از بین این دو تا). مهم نیس  
برام!

باز دقت کن بعد از **either** هم کلمه مفرد اومده.

**either** یعنی یا این یا اون! فرقی نداره کدوم.

حالا از این سه تا، تنهایی هم میشه استفاده کرد. یعنی بدون اینکه بعدشون  
اسم بیاد.

I couldn't decide which of the two shirts to buy. I liked **both**.

نتونستم تصمیم بگیرم کدوم یکی از این دو تا پیراهنو بخرم. جفتشونو دوست  
داشتم.

Is your friend American or British? **Neither**. She's Iranian.

دوستت آمریکاییه یا بریتانیایی؟ هیچکدوم. اون ایرانیه.

Do you want tea or coffee? **Either**. I don't mind.

چای میخوای یا قهوه؟ یا این یا اون. فرقی نداره.



نکته ۹۶:

**both of ... / neither of ... / either of ...**

خب، فرق اینا با بالایی ها چیه؟! بعد از اینا حتماً باید کلمات پایین رو بیاریم!  
the/these/my/Ali's...

یعنی مثلاً باید بگیم both of the restaurants ، نمیتونیم بگیم ~~both of~~  
~~restaurants~~

مثال هارو ببین:

**Both of** these restaurants are very good.

هر جفت این رستوران ها خیلی خوبن.

**Neither of** the restaurants we went to was expensive.

هیچکدوم از رستوران هایی که ما رفتیم گرون نبودن.  
دقت کن دیگه اینجا بعد از neither ، باید restaurant رو به صورت جمع  
بیاریم.

I haven't been to **either of** those restaurants.

من نه توی اون رستوران بودم نه توی اون یکی.  
بازم دقت کن اینجا بعد از either باید restaurant رو به صورت جمع بیاریم!  
حالا یه کاربرد دیگه هم دارن:

both of / neither of / either of + **us/you/them**

مثلاً:

Can **either of** you speak English?

یکی از شما میتونین انگلیسی حرف بزنین؟

**Neither of** them could help me.

هیچکدومشون نتونستن کمکم کنن.

**Both of** us were very tired.

جفتمون خیلی خسته بودیم.

نکته کوچولو:

بعد از neither of هم میتونیم فعل رو به صورت جمع بیاریم هم به صورت مفرد.

**Neither of the children wants** to go to bed.

**Neither of the children want** to go to bed.

جفتش درسته.

## نکته ۹۷:

**both ... and ...**

به مثال ها دقت کن:

**Both** Kami **and** Akbar were late.

کامی و اکبر جفتشون دیر کردن.

I was **both** tired **and** hungry when I arrived home.

وقتی رسیدم خونه هم خسته بودم هم گرسنه.

**Both** Siya **and** Akbar are on holiday.

سیا و اکبر هردوشون توو تعطیلاتن.

The movie was **both** boring **and** long.

فیلم هم کسل کننده بود هم طولانی.

پس اینجوری شد:

both + صفت + and + صفت

both + اسم + and + اسم

## نکته ۹۸:

**neither ... nor ...**

با مثال یاد بگیر:

**neither** Akbar **nor** Sekineh came to the party.

نه اکبر اومد مهمونی نه سکینه.

We **neither** saw **nor** heard anything.

ما نه چیزی دیدیم نه چیزی شنیدیم.

I have **neither** the time **nor** the money to go on holiday.

من نه زمان دارم نه پول دارم که برم سفر.

پس اینجوری شد:

neither + فعل + nor + فعل

neither + اسم + nor + اسم

## نکته ۹۹: ➤

**either... or...**

به مثال ها دقت کن:

I'm not sure where Akbar's from. He's **either** American **or** Italian.

مطمئن نیستم اکبر اهل کجاست، یا آمریکاییه یا ایرانیه.

**Either** you apologize, **or** I'll never speak to you.

یا عذرخواهی کن یا دیگه باهات حرف نمیزنم.

We can leave **either** today **or** tomorrow.

ما میتونیم امروز یا فردا بریم.

That man's name is **either** Sasan **or** Saman.

اون مرده اسمش یا ساسانه یا سامان.

پس شد:

either + اسم + or + اسم

either + جمله + or + جمله







از این به بعد همیشه در کنار شما هستم ...

📷 Soheyl- english

📱 0937-88-44-038

### نکته ۱۰۰:

آیا میدانید both/either/neither و any/none/all توی کالابرد چه فرقی با هم دارن؟!

خب، both/either/neither برای دوتا چیز به کار میرن.

اما، any/none/all برای بیش از دو چیز بکار میرن.

There are two good hotels here. You could stay at **either** of them.

دوتا هتل خوب اینجا هست. توی هر کدومشون میتونی بمونی.

There are many good hotels here. You could stay at **any** of them.

هتل های خوب زیادی اینجا هست. میتونی توی هر کدوم که خواستی بمونی.

We tried two hotels. **Neither** of them had any rooms.

ما دوتا هتل رو سر زدیم. هیچ کدومشون هیچ اتاقی نداشتن.

We tried a lot of hotels. **None** of them had any rooms.

ما به کلی هتل سر زدیم. هیچ کدومشون هیچ اتاقی نداشتن.

We tried two hotels. **Both** of them were full.

ما دوتا هتل رو سر زدیم. هر جفتشون پر بودن.

We tried a lot of hotels. **All** of them were full.

ما به کلی هتل سر زدیم. همه شووون پر بودن.

### نکته ۱۰۱:

یکی از کاربردهای wish صحبت درباره ی آرزوهای حال و آینده س.

یه الگوی ساده داره:

I wish + past simple

یعنی بعد از wish باید گذشته ساده بیارید.

مثلاً:

**I wish I had a car.**

کاش یه ماشین داشتم.  
دقیقاً عین فارسی، نمیگیم کاش پول داشته باشم، میگیم کاش پول داشتم.  
یعنی از شکل گذشته برای تأکید بر آینده استفاده میکنیم!

**I wish I lived somewhere special.**

ای کاش یه جای خاص زندگی میکردم.

**I wish you were here.**

ای کاش اینجا بودی.

**I wish I could see you.**

ای کاش میتونستم ببینمت.

**I wish I passed my exam.**

ای کاش امتحانمو پاس میکردم.

## نکته ۱۰۲: ————— ➡

وقتی میخوای بگی، کی درس نمیخونی تا بریم بیرون؟ کی کار نمیکنی تا بریم پارک؟ کی فلان کارو نمیکنی تا اون فلان کارو بکنیم؟  
باید بگیم:

**When don't you work so that / so we can go out?**

یعنی کی کار نمیکنی تا بریم بیرون؟  
**so that** و **so** یعنی تا اینکه و میتونیم هرکدومو خواستیم استفاده کنیم.  
بعدشونم راحت هر جمله ای میتونیم بیاریم، ولی ترجیحاً **can** و **could** و **may** باشه بهتره.

**When don't you play so that we can go to the park?**

کی بازی نمیکنی تا بریم پارک؟

### نکته ۱۰۳: ➤

میخواهی بگی، یه کاری کن بهم زنگ بزنی، یه کاری کن بیا اینجا، یه کاری کن  
خونه رو بفروشه و ...  
خیلی راحت میتونین بگین:

#### Get him to do something

مثلاً:

Get him to come here.

یه کاری کن بیا اینجا.

Get her to call me.

یه کاری کن بهم زنگ بزنی.

Get him to sell the house.

یه کاری کن خونه رو بفروشه.

Get him to register.

یه کاری کن ثبت نام کنه .

### نکته ۱۰۴: ➤

گفتم که برای صحبت در مورد کارهایی که داشتن انجام میدادین و تا الان  
ادامه داشته میتونین از الگوی زیر استفاده کنین:

#### I have been + verb + ing

#### He/she has been + verb + ing

حالا وقتی میخواین بگین از فلان موقع، باید از since استفاده کنین.  
و وقتی هدفتون گفتن یه بازه‌ی زمانی، مثلاً برای سه ساعت، باید از for استفاده  
کنین.

مثلاً میخواین بگین از صبح تا حالا درگیر بودین:

I have been busy **since** morning.

چند ساعت داشتم رانندگی میکردم.

I have been driving **for** hours.

از صبح داشتم کار میکردم.

I have been working **since** morning.

### نکته ۱۰۵: ➤

میخواهی بگی فکرش نمیکردم ...

**Little did I know ...**

و بعدش جمله تونو به صورت گذشته میگیریم.

**Little did I know** there was a party.

فکرش نمیکردم اونجا مهمونی باشه.

**Little did I know** she was not a good girl.

فکرش نمیکردم دختر خوبی نباشه.

**Little did I know** you bought that car.

فکرش نمیکردم اون ماشین رو بخری.

### نکته ۱۰۶: ➤

وقتی حس میکنی که یه کاری رو میخواهی انجام بدی، حس انجام کاری رو داری باید بگی:

**I feel like + verb + ing**

**I feel like** working.

حس کار کردن دارم.

**I feel like** driving.

حس رانندگی کردن دارم.  
و میتونین از این الگو استفاده کنین:

یه جمله + **I feel like that**

**I feel like that** you are a good person.

حس میکنم آدم خوبی باشی.



### نکته ۱۰۷:

اینم یه گرامر یه کوچولو پیشرفته:

میخواهی بگی فقط یه بار اونجا بودم، فقط دو بار این کارو کردم!

**Only once** یعنی فقط یبار

**Only twice** یعنی فقط دو بار

دقت کن به این جمله:

**Only once** did I talk to her yesterday.

دیروز فقط یه بار باهاش حرف زدم.

دقت کنین، حالت جمله‌ی بعد از **only once**، سؤالیه!

**Only twice** have I been there.

فقط دو بار اونجا بودم.

توی این مثال، زمان جمله، حال کامل و حالتش بعد از **only twice**، سؤالیه!

**Only twice** have we done this.

فقط دو بار این کارو کردیم.

به این نوع ساختار میگن **inversion** ساختارهای معکوس و اغلب کارشون تاکید کردنه.



### نکته ۱۰۸:

یه الگوی کاربردی با **as well**

یکی دیگه از کاربردهای ایشون زمانی هست که بخوایم بگیم یه چیزی ایده ی خوبیه!

مثال رو ببین :

It's as well to have a good camera with you when you visit the museum.

اینجا as well یعنی ایده ی خوبیه ...

معنی جمله میشه :

ایده ی خوبیه که وقتی موزه رو میبینی یه دوربین با خودت داشته باشی.  
الگوش چجوریه ؟!

**It's as well to do something**

## نکته ۱۰۹: ➡

هر وقت میخواین بگین یه چیزی شدین، از got استفاده کنین.  
got گذشته ی get و کافیه بعد از got از یه صفت استفاده کنیم.  
یعنی چی ؟!

When I saw Sekineh, I **got** happy.

وقتی سکینه رو دیدم خوشحال شدم.

I **got** sad.

ناراحت شدم.

I **got** tired.

خسته شدم.

I **got** shocked.

شوکه شدم.

## نکته ۱۱۰:

یه نکته درباره get :

من چهار حالت کاربردی و مهمشو میگم، همینارو خووووب یاد بگیرید.

**get + صفت**

یعنی اون صفت رو شدن.

یعنی چی؟!

Get happy

یعنی خوشحال شدن

**get + چیزی**

یعنی گرفتن یه چیزی

Get a pen

گرفتن یه خودکار

**get + to +** یه مکان یا جایی

رسیدن به یه مکانی یا جایی

Get to work

رسیدن به محل کار

**get someone to do something.**

یعنی هماهنگ کنی برای یه کسی که یه کاری رو انجام بده

I got him to go there.

هماهنگ کردم بره اونجا.

## نکته ۱۱۱:

یکی از کاربردهای مهم make



یکی از کاربردهای ایشون زمانی هست که بخوایم بگیم یه نفر یکی دیگه رو مجبور به انجام کاری کرده که اون شخص نمیخواد اونو انجام بده. مثلا طرف دوست نداره اتاقشو تمیز کنه ، مامانش بخاطر اینکه خاله اینا شب دارن میان مجبورش میکنه که اینکارو بکنه ، در این حالت میگیم :

His mother **made** him clean his room.

یعنی مامانش مجبورش کرد که اتاقشو تمیز کنه.

پس

که یه کاری رو انجام بده + یه نفر دیگه رو + make + یه کسی

مثال بعدی :

The teacher **made** us study very hard.

معلم مارو مجبور کرد که سخت درس بخونیم.

این مثال ها در زمان گذشته بود ، بریم برای یه مثال در زمان حال ساده :

My mother always **makes** me tidy up the house.

مامانم همیشه منو مجبور میکنه خونه رو مرتب کنم.

## نکته ۱۱۲: ➤

یکی دیگه از کاربردهای مهم make

یکی دیگه از کاربردهای ایشون زمانی هست که بخوایم بگیم یه چیزی یا یه کسی باعث شده که کاری انجام بشه !

The film **made** me cry.

فیلم باعث شد من گریه کنم.

My mother often **makes** me laugh.

مامانم اغلب باعث میشه من بخندم.

حالا میتونیم از صفت هم استفاده کنیم ، یعنی یه کسی یا یه چیزی باعث شده

یه نفر دیگه یه جوری بشه مثلا خوشحال بشه ، ناراحت بشه و ...  
مثلا میگییم داستانش منو واقعا خوشحال کرد :

Her story **made** me really happy.

ترافیک باعث تاخیر ما شد :

The traffic jam **made** us late.

### نکته ۱۱۳: ➤

احتمالش زیاده که...، احتمالش هست که ...

It is more likely to ...

You are more **likely to do** it.

احتمالش زیاده که انجامش بدی.

She is more **likely to get** the job.

احتمالش زیاده که شغل رو بدست بیاره.

I'm more **likely to stay**.

احتمالش زیاده که بمونم.

### نکته ۱۱۴: ➤

فرق I always do و I'm always doing چیه ؟!

وقتی میخواین بگین یه کاری رو همیشه انجام میدین، باید از I always do استفاده کنین.

I **always go** to work by car.

من همیشه با ماشین میرم سر کار.

I **always have** breakfast.

من همیشه صبحانه میخورم.

اما دقت کنین که معنی I'm always doing something فرق داره.  
مثلاً:

**I'm always losing things.**

یعنی من بیشتر وقتا چیزامو گم میکنم، این اتفاق خیلی میوفته، یه جورایی تعداد اتفاق افتادنش از حالت نرمال بیشتره.  
خیلی راحت بگم، میتونیم بگیم: من همش چیزامو گم میکنم، این "همش" رو یه نشونه بدونین برای این ساختار.

**You're always playing computer games.**

تو همش داری بازی کامپیوتری میکنی.

**You always play computer games at night.**

تو همیشه شبها بازی کامپیوتری میکنی.

**I always watch TV every morning.**

من همیشه صبحها تلویزیون میبینم.

**I'm always watching TV.**

من همش در حال تلویزیون دیدن هستم.

**I always chat with my friends every night.**

من همیشه هر شب با دوستانم چت میکنم.

**I'm always chatting with my friends.**

من همشششش در حال چت کردن با دوستانم.

## نکته ۱۱۵: ➡

یه نکته درباره ی think بدونین:

اگه think به معنی باور داشتن یا اعتقاد و نظری داشتن باشه، از حالت استمراری استفاده نمیکنیم، یعنی ing نمیذاریم آخرش!

I **think** Akbar is a nice man but I'm not sure.

میگه من اعتقادم اینه، نظرم اینه که اکبر مرد خوبیه ولی مطمئن نیستم.

What do you **think** of my plan?

نظرت درباره ی برنامه من چیه؟!

اگه think به معنی فکر کردن باشه، عمل فکر کردن، میتونیم حالت استمراری بیاریم:

I'm **thinking** about what happened.

دارم فکر میکنم چی شد.

## نکته ۱۱۶: ➤

### Enough

این کلمه معمولاً سه جا کاربرد داره!

یک: بعد از صفت

I can't run very far. I'm not fit **enough**.

من خیلی نمیتونم بدووم . به اندازه ی کافی رو فرم نیستم.

دو: بعد از قید

I can let you know tomorrow. Is that soon **enough**?

من میتونم فردا بهت خبر بدم. به اندازه ی کافی زود هست؟

سه: قبل از اسم

I can't run very far. I don't have **enough** energy.

من نمیتونم زیاد بدووم. به اندازه ی کافی انرژی ندارم.

### نکته ۱۱۷: ————— ➤

میخواین بگین هیچ وقت توی زندگیم فلان کارو نکردم ...  
الگوی ساده ای داره :

**Never in my life, have I + p.p**

Never in my life, **have I lost** something.

هیچ وقت توی زندگیم چیزی رو گم نکردم.

Never in my life, **have I fallen** in love.

هیچ وقت توی زندگیم عاشق نشدم.

Never in my life, **have I gone** there.

هیچ وقت توی زندگیم اونجا نرفتم.

Never in my life, **have I bought** expensive things.

هیچ وقت توی زندگیم چیزهای گرون نخریدم.

### نکته ۱۱۸: ————— ➤

هیچی نشده ...

میخوای بگی هیچی نشده فلان شد، هیچی نشده بهمان شد ...

My shirt is **already** wrinkled.

هیچی نشده پیراهنم چروک شد.

She is **already** gone.

هیچی نشده رفت.

You are **already** asleep.

هیچی نشده خوابیدی.

## نکته ۱۱۹: ➤

یکی از راههای درخواست کردن الگوی ساده ی زیره:

**Do you mind if + I + جمله?**

یعنی آیا مشکلیه فلان کارو بکنم؟ آیا می تونم فلان کارو بکنم؟!

Do you mind if I take this?

ممکنه اینو بردارم؟

Do you mind if I work here?

میشه اینجا کار کنم؟!

یه حالت دیگه هم داره، که از طرف مقابل بخوای یه کاری رو انجام بده. الگوشم  
اینه:

**Do you mind + verb + ing + ...?**

Do you mind coming here?

میشه بیاین اینجا؟

Do you mind helping me?

میشه کمکم کنی؟

## نکته ۱۲۰: ➤

وقتی چیزی رو پیش بینی میکنین، میتونین هم از will و هم از going to استفاده کنین!

ترجمه ی هردوشون یکیه، ولی going to قطعیت بیشتری داره.

مثلاً هوا ابریّه و میخوام بگم فردا بارون میاد:

**It is going to rain tomorrow.**

یه وقت هست همینطوری دلی میگم فردا بارون میاد:

**It will rain tomorrow.**

## نکته ۱۲۱:

فرق این دوتا جمله چیه؟!

I got married last year.

I have been married for a year.

توی جمله اول شما سال قبل ازدواج کردین، کاری نداریم الان طلاق گرفتین یا نه، به هر حال این عمل ثبت شده که شما ازدواج کردین!  
توی جمله دوم یعنی شما یه ساله ازدواج کردین، یعنی مثلاً پارسال ازدواج کردین و الانم همسر دارید، هدف نشون دادن اینکه که یه چیزی هنوز اثرش پابرجاست!  
مثلاً:

I bought a car last year.

یعنی من پارسال ماشین خریدم، الان ماشین دارم یا ندارم مهم نیست مهم اینکه که من پارسال اینکارو انجام دادم!

I have bought a car for a year.

یعنی یه ساله ماشین دارم، پارسال خریدم و هنوزم دارمش.

## نکته ۱۲۲:

هر وقت بخوایم بگیم یه چیزی چند وقت یه بار اتفاق میوفته از every استفاده میکنیم.

**every day / every Monday / every ten minutes / every three weeks**

When we were on holiday, we went to the beach **every day**.

وقتی تعطیلات بودیم، هر روز میرفتیم ساحل.

چون داره در مورد ساحل رفتن و اینکه چه مدت به چه مدت میرفتن صحبت

میکنه، پس از every استفاده میکنیم.

پس این غلطه که بگیم:

When we were on holiday, we went to the beach ~~all days~~.

The bus service is excellent. There's a bus every ten minutes.

سرویس دهی اتوبوس عالیه . هر ده دقیقه یه اتوبوس هست.

حالا اگه یه فعالیتی مثلاً از اوووول صبح تا آخر روز انجام بشه اینجا از all یا whole استفاده میکنیم.

We spent **all day / the whole day** on the beach.

ما کل روزو تو ساحل گذروندیم.

He didn't say a word **all evening / the whole evening**.

اون کل عصر و صحبت نکرد.

دقت کنین که نمیگیم:

~~All the day~~

~~All the week~~

میگیم:

**all day**

**all week**

مثلاً:

I've been working hard **all day**.

کل روز رو داشتم کار میکردم.

غلطه بگیم:

I've been working hard ~~all the day~~.



### نکته ۱۲۳:

میخواین بگین یه جای کار میلنگه، یه جایی از کار ایراد داره، یه چیزی یه مشکلی داره و....

**There is something wrong with + ...**

و بعد از with اون چیزی که یه جاش میلنگه یا ایراد داره رو میگی.

**There is something wrong with my laptop.**

لپ تاپم یه ایرادی داره.

**There is something wrong with my car.**

ماشینم یه ایرادی داره.

**There is something wrong with our relationship.**

یه جای رابطه مون میلنگه.

**There is something wrong with my head.**

سرم یه مشکلی داره / درد میکنه.

### نکته ۱۲۴:

میخواین بگین به کسی کمک کردین که فلان کارو بکنه.

یه الگوی ساده داره که میتونیم برای اشخاص مختلف هم تغییرش بدیم.

**I helped him clean the house.**

توی تمیز کردن خونه کمکش کردم.

پس میگی:

**I helped +** اون شخصی که کمکش کردین **+ ساده**

**I helped her do her homework.**

توی انجام تکالیفش کمکش کردم.

He helped me wash the car.

توی شستن ماشین کمک کرد.

She helped Akbar fix his car.

توی تعمیر کردن ماشین به اکبر کمک کرد.

### نکته ۱۲۵:

میخواهین بگین نمیدونستم فلان بودی!

I didn't know you were **a/an** + فلان

I didn't know you were a teacher.

نمیدونستم معلم بودی.

I didn't know you were an actor.

نمیدونستم بازیگر بودی.

حالا اگه به جای **are**، **were** بیاریم، معنی جمله میشه نمیدونستم که فلان هستی!

I didn't know you are a doctor.

نمیدونستم دکتری.

### نکته ۱۲۶:

میخواهیم بگیم که کل هفته رو، کل آخر هفته رو، کل سال رو، به انجام کاری گذروندم

I spent all weekend /all week /all year / all day/ all night + فعل + ing  
مثلاً:

I spent all day working.

کل روزو به کار کردن گذروندم. (مشغول کار کردن بودم)

I spent all weekend studying.

کل آخر هفته رو به درس خوندن گذروندم. (همش داشتم درس میخوندم)  
He spent all night chatting.

کل شب رو با چت کردن گذروند.

## نکته ۱۲۷:

میخوایم بگیم تمام کاری که باید انجام بدی فلان کاره!

شکل ساده ی فعل + **All you have to do is**

**All you have to do is** try hard.

تموم کاری که باید انجام بدی اینه که سخت تلاش کنی.

**All you have to do is** clean the house as soon as possible.

تموم کاری که باید انجام بدی اینه که هر چه زودتر خونه رو تمیز کنی.

**All I had to do was** call the manager.

تموم کاری که باید انجام میدادم زنگ زدن به مدیر بود.

**All he has to do is** buy that gift for his wife.

تموم کاری که باید انجام بده خرید اون هدیه برای همسرشه.

## نکته ۱۲۸:

میخوایم بگیم در شرف انجام کاری بودم، میخواستم یه کاری رو انجام بدم، در شرف انجام فلان کار هستم.

**( to ) be about to**

**I was about to** leave when you called me.

وقتی زنگ زدی من در شرف رفتن بودم.

The film **is about to** start.

فیلم میخواد شروع بشه.

His father **is about to** retire.

پدرش در شرف بازنشسته شدن.

## نکته ۱۲۹:

میخوایم بگیم همه‌ی فلان چیزاتون اینقدر خوبین؟!

**Are all your... this nice?**

توی جای خالی اون فلان چیزو میزاری!

Are all your schools this nice?

همه‌ی مدرسه‌هاتون اینقدر خوبین؟

Are all your restaurants this nice?

همه‌ی رستوران‌هاتون اینقدر خوبین؟

Are all your teachers this nice?

همه‌ی معلم‌هاتون اینقدر خوبین؟!

## نکته ۱۳۰:

میخوایم بگیم تو هنوزم وقت زیادی داری فلان کارو انجام بدی.

**You still have plenty of time to do something**

مثلاً:

You still have plenty of time to study English.

هنوز وقت زیادی داری که زبان بخونی.

You still have plenty of time to make dinner.

هنوز وقت زیادی داری که شام درست کنی.

You still have plenty of time to go to work.

هنوز وقت زیادی داری که بری سرکار.

## نکته ۱۳۱: ➤

**each**

**every**

اول اینکه این دو بزرگوار از لحاظ معنی شبیه هم هستن.

جوری که گاهی اوقات میشه از این دو بزرگوار به جای هم استفاده کرد.

**Each time** I see you, you look different.

**Every time** I see you, you look different.

اما یادت باشه که کاربردشون دقیقاً یکسان نیست.

یعنی چی؟!

ما زمانی از **each** استفاده میکنیم که داریم درباره یه چیزایی جداگانه صحبت

میکنیم یا فکر میکنیم، یعنی منظورمون یکی یکیه.

Study **each** sentence carefully.

هررررر جمله رو با دقت بخون. ( یکی یکی جمله هارو با دقت بخون )

**Each** player has three cards.

هرررررر بازیکن سه تا کارت داره. ( تک تک بازیکن هارو داریم میگی )

و اصولاً از **each** برای مقادیر کم استفاده میشه.

There were four books on the table. **Each** book was a different color.

چهارتا کتاب رو میز بود. رنگ هر کتاب متفاوت بود.

صحبت درباره ی چهار تا کتابه.

اما زمانی که از **every** استفاده میکنیم درباره ی یه سری چیز به صورت گروهی

صحبت میکنیم. به لحاظ معنایی خیلی شبیه **all** هست.

**Every** sentence must have a verb.

تمام جملات باید یه فعل داشته باشن.

Akbar has read **every** book in the library.

اکبر تمام کتاب های توی کتاب خونه رو خونده.

I'd like to visit **every** country in the world.

من دوست دارم تمام کشورهای توی دنیا رو ببینم.

## نکته ۱۳۲:

**( to ) be used to ...**

عادت داشتن به ...

وقتی میخوایم بگیم به یه کاری یا یه چیزی عادت داریم یا نداریم، از این ساختار استفاده میکنیم.

دقت کنین بعد از **to be used to** یا فعل به صورت **ing** دار میاریم یا اسم میاریم

**I'm not used to eating** so much at lunch time.

من عادت ندارم موقع نهار اینقدر غذا بخورم.

**He is used to this situation.**

اون به این موقعیت عادت داره.

**I'm used to walking** because I haven't got a car.

چون ماشین ندارم، به پیاده روی عادت دارم.

## نکته ۱۳۳:

زمانی که بخوایم بگیم به کاری یا چیزی داریم عادت میکنیم ( نه عادت داشتن )  
یا کلاً در مورد عادت کردن صحبت کنیم الگوی زیر رو داریم:

**( to ) get used to**

بعد از این اصطلاح یا فعل **ing** دار میاریم یا اسم.

**You will soon get used to the hot climate.**

خیلی زود به آب و هوای گرم عادت میکنی.

I'm getting used to my new job.

دارم به شغل جدیدم عادت میکنم.

I can't get used to wearing glasses.

نمیتونم به عینک زدن عادت کنم.

### نکته ۱۳۴:

تفاوت because of و because

بعد از because of یک اسم یا شکل ing دار فعل به کار میره.

They decided to stay home **because of** bad weather.

اونا تصمیم گرفتن بخاطر هوای بد بمونن خونه.

بعد از because باید از یک جمله که با فاعل شروع میشه استفاده کرد.

They decided to stay home **because** the weather was bad.

اونا تصمیم گرفتن بمونن خونه چون هوا بد بود.

### نکته ۱۳۵:

تفاوت کاربرد In the end و At the end در ابتدای جملات

عبارت In the end به معنای "در آخر" و "بالاخره" هست.

مثال:

**In the end** he told the truth.

بالاخره حقیقت رو گفت.

ولی عبارت At the end معنای "در انتهای" و "در پایان" میده.

مثال:

**At the end** of letter I wrote my name.

در انتهای نامه من اسممو نوشتم.

### نکته ۱۳۶: ➤

تفاوت too و very

هر دو معنای "بسیار و خیلی" میدن با این تفاوت که too برخلاف very، مفهوم غیرممکن یا ناخوشایند بودن رو منتقل میکنه.

این تفاوت در دو جمله‌ی زیر واضحه:

Ali is **very intelligent**.

علی خیلی باهوشه.

The tea is **too hot** to drink.

چایی برای نوشیدن خیلی داغه. (چایی اونقدر داغه که نمیشه نوشید).

می بینید که too مفهوم غیر ممکن بودن درون خودش داره.

### نکته ۱۳۷: ➤

به کارگیری صحیح no longer

این عبارت معمولاً بعد از فعل کمکی، قبل از فعل اصلی یا آخر جمله قرار میگیره. حواستون باشه به جای no از not یا none استفاده نکنید. معنیشم توی مثال های زیر مشخصه:

She **can no longer** play with it.

دیگه نمیتونه باهاش بازی کنه.

The building **is no longer** used.

دیگه از این ساختمان استفاده نمیشه.

She doesn't work here **any longer**.

دیگه اینجا کار نمیکنه.

I **can** no longer afford the car.

دیگه نمیتونم هزینه ماشینو پرداخت کنم.



## نکته ۱۳۸:

### Let alone

چه برسه ...

بعدش فعل ing دار میاریم، معنی و کاربردشو با مثال یاد بگیرید:

She doesn't study, **let alone** working.

اون درس نمیخونه، چه برسه به کار کردن.

She doesn't like you, **let alone** loving you.

اون دوستت نداره، چه برسه عاشقت باشه.

## نکته ۱۳۹:

به این دوتا الگو خوب دقت کنین

### I am supposed to + verb

یعنی قراره یه کاری بکنم، بایستی یه کاری بکنم، که اون کاره همون فعلیه که

شما به جای verb مینویسید.

مثلاً:

I **am supposed to** be there at 8 o'clock.

من قراره ساعت هشت اونجا باشم.

### I suppose

یعنی من گمان میکنم، فکر میکنم.

مثلاً:

I **suppose** something good is going to happen.

گمان میکنم یه اتفاق خوب قراره بیوفته.

### نکته ۱۴۰:

وقتی می‌خواین بگین که به یه خواسته ای رسیدین، از فعل **met** که گذشته **meet** هست استفاده کنین.  
مثلاً:

**I met my goals.**

من به اهدافم رسیدم.

**I met that level.**

من به اون سطح رسیدم.

**I met my needs.**

من به نیازهام رسیدم.

### نکته ۱۴۱:

تفاوت بین **every one** و **everyone**  
خب، **everyone** فقط برای آدمها استفاده میشه، مترادفش میشه **everybody**!  
اما **every one** هم میتونه برای آدمها استفاده بشه هم برای چیزهای دیگه،  
مترادفش هم میشه **each one**  
مثال هارو ببین:

**Everyone** enjoyed the party.

همه از مهمونی لذت بردن. ( همه ی آدمهایی که اونجا بودن. )

Sekineh is very popular. **Everyone** likes her.

سکینه خیلی محبوبه . همه دوستش دارن ( همه آدمها دوش دارن. )

Akbar is invited to lots of parties and he goes to **every one**.

اکبر کلی مهمونی دعوت شده و به همه ی اونا میره. ( به تک تک مهمونی‌ها میره. )

I dropped a tray of glasses. Unfortunately **every one** broke.

من یه سینی از لیوان هارو انداختم . متأسفانه همه شون شکست. ( تک تک اونا شکست. )

## نکته ۱۴۲: ➤

یه تفاوت خیلی کوچیک ولی کاربردی و مهم در استفاده از **can** و **will** به جمله ی پایین دقت کنین:

I can help you.

یعنی من میتونم کمکت کنم. ( از الان تا آینده، هر وقت خواستی )  
حالا جمله پایینو ببینید:

I **will be able to** help you.

این چه فرقی با بالایی داره ؟  
در این حالت، زمانش در آینده، دقیقاً مشخصه. نه زودتره نه دیرتر.  
پس هر وقت منظورمون دقیقاً یه زمان مشخصی در آینده س، استفاده از **can** اشتباهه!  
مثلاً:

I can speak English.

یعنی من میتونم انگلیسی صحبت کنم. ( از الان هست، آینده هم شاملشه )  
اما:

I **will be able to** speak English in 2 years.

یعنی من میتونم انگلیسی صحبت کنم، اما دقیقاً دو سال دیگه، نه زودتر نه دیرتر، والسلام.

### نکته ۱۴۳:

تفاوت may as well و might as well

اول اینکه محاوره‌ای و غیررسمی هستن!

زمانی ازشون استفاده میشه که بخوایم بگیم یه چیزی ارزش انجام دادن داره

چونکه بقیه چیزا قرار نیست اتفاق بیوفته!

دقت کن might as well بیشتر رایج هست.

مثال هارو ببین :

**I might as well** paint the bedroom myself; no one else is going to do it.

یعنی ارزششو داره که خودم اتاق رو رنگ کنم، هیچ کس دیگه ای قرار نیست اینکارو بکنه.

پس کاری که ارزش انجام دادن داره چیه؟! رنگ کردن اتاق!

چرا؟! چون کسی دیگه ای قرار نیست اینکارو انجام بده!

**We may as well** go out tonight because there's not much on TV.

یعنی ارزششو داره امشب بریم بیرون ، چون تلویزیون چیز خاصی نشون نمیده.

پس کاری که ارزش انجام دادن داره چیه؟! بیرون رفتن.

چرا؟! چون توی تلویزیون خبری نیست ، بهتره برن بیرون خوش بگذرونن.

### نکته ۱۴۴:

میخواین بگین شاید فردا یه ماشین بخرم.

کدوم جمله بنظر تون بهتره ؟

Maybe I will buy a car tomorrow.

I might buy a car tomorrow.

برای صحبت کردن درباره ی "شاید در آینده" بهتره از might و الگوی زیر

استفاده کنین:

**I might do sth**

مثلاً:

I might buy a shirt.

شاید یه پیرهن بخرم.

### نکته ۱۴۵:

این دوتا جمله رو دقت کنین:

I will go **by** car.

I will go **in** my car.

اولی یعنی من با ماشین میرم .

ماشین کی ؟ نمیدونیم، مهم نییییس!!

دومی یعنی من با ماشین خودم میرم.

پس به کاربرد in، برای گفتن ماشین خودم دقت کنین!

### نکته ۱۴۶:

همینجور داره فلان میشه.

همینجور داره بهمان میشه.

همینجور داره فلان میکنه.

و ...

اینو چجوری بگیریم ؟

با مقایسه دوتا ساختار، بهتون میگم .

It's raining

داره بارون میاد.

It **keeps** raining.

همینجور داره بارون میاد.

She is talking.

او داره حرف میزنه.

She **keeps** talking.

او همینجور داره حرف میزنه.

پس کافیه فعل ing دار رو بزارید بعد از keep تا بتونین این منظورو برسونین!

## نکته ۱۴۷:

**If ... happen to**

هر وقت حرف از احتمال بود میتونیم از این ساختار استفاده کنیم.

یعنی چی ؟ یعنی ما میتونیم از این ساختار برای پیشنهاد اینکه یه چیزی احتمال داره اتفاق بیوفته استفاده کنیم.

مثلاً داری میری بیرون، رفیقت هم منتظر تماسه جعفره!

بهش میگی اگه احتمالاً دیدمش، میگم بهت یه زنگ بزنه.

**If I happen to see Jafar, I'll tell him to call you.**

مثلاً رفیقت داره میره بیرون، شام هم هیچی ندارید، خودتم حال نداری بری خرید، میتونی بگی:

**If you happen to pass a supermarket, perhaps you could buy some eggs.**

اگه احتمالاً سر راهت از یه سوپر مارکت رد شدی، شاید بتونی یه کم تخم مرغ بگیری.

## نکته ۱۴۸:

برای اینکه بگیم، داشت فلان میشد، داشت بهمان میشد یا نزدیک بود فلان بشه، بهمان بشه،  
میتونیم از **nearly** استفاده کنیم و بعدش یه فعل گذشته بیاریم.  
مثلاً:

I **nearly** died.

داشتم میمردم.

She **nearly** hit me.

نزدیک بود منو بزنه، داشت منو میزد.

The books **nearly** fell.

نزدیک بود کتابها بیوفتن. ( کتابها داشتن میریختن.)

We **nearly** had an accident.

نزدیک بود تصادف کنیم. ( داشتیم تصادف میکردیم.)

## نکته ۱۴۹: ➡

**needn't**

**don't need to**

هر وقت بخوایم کسی رو از انجام کاری منع کنیم، مثلاً بگیم آقا نیازی نیست فلان کارو انجام بدی، لزومی نداره فلان باشی و ... میتونیم از **needn't** یا **don't need to** استفاده کنیم.

We **needn't** take coat with us .

We **don't need to** take coat with us.

لزومی نداره با خودمون کت ببریم.

Akbar **needn't** come if he doesn't want to.

Akbar **doesn't need to** come if he doesn't want to.

نیازی نیست اکبر بیاد اگه نمیخواد.

You **needn't** be shy.

لزومی نداره اینقدر خجالتی باشی.

I **needn't** have put on this thick coat.

لزومی نداره کت به این ضخیمی رو بپوشم.

\* البته حواست باشه این روزا استفاده از need't زیاد رایج نیست!

## نکته ۱۵۰: ➤

یه ریز نکته در مورد **prefer**

برای مقایسه دوتا چیز با استفاده از prefer از to استفاده میکنیم ، همین!

پس نمیگیم :

I prefer water ~~than~~ soda.

میگیم :

I prefer water to soda.

یعنی من آب رو به نوشابه ترجیح میدم.

## نکته ۱۵۱: ➤

حواستون باشه که ما " اغلب " بعد از I hope از حال ساده استفاده میکنیم.

ولی معنای و مفهوم مربوط به زمان آینده س. مثلا :

I hope you get better.

امیدوارم بهتر بشی.

I hope it rains.

امیدوارم بارون بیاد.



I hope she tells the truth.

امیدوارم حقیقت رو بگه.

دقت کردی؟ دقت کن خب، همه جملات مفهومشون مربوط به آینده س.  
حالا برای منفی کردن اینجور جمله ها، " معمولاً " با خود I hope کاری نداریم، با همون قسمت دوم که حال ساده س کار داریم.  
مثلاً:

I hope you don't get that job.

امیدوارم اون شغلو بدست نیاری.

I hope he doesn't mad at me.

امیدوارم از دستم عصبی نشه.

## نکته ۱۵۲: ————— ➤

یه سری عبارت هستن که به زمان حال اشاره میکنن، مثلاً:

**this morning**

**today**

**this month**

**this week**

اینارو هم میتونیم با گذشته ساده بکار ببریم هم میتونیم با حال کامل بکار ببریم!  
چجوری؟! با **this week** مثال میزنم، اگه این هفته تموووووم شده و ما داریم به گذشته فکر میکنیم و چیزی که میخوایم بگیم مربوط به گذشته س، از گذشته ساده استفاده میکنیم. مثلاً جمعه شبه و دیگه هفته تموم شده و داری به گذشته فکر میکنی میگی:

I didn't visit my parents **this week**.

من پدر و مادرمو این هفته ندیدم. ( دیگه این هفته هم تموم شده، کاری نمیشه

کرد، ایشالا هفته دیگه )

حالا اگه هفته هنوز تموم نشده باشه، مثلاً دو سه روز به آخر هفته مونده و شما هنوز فرصت انجام کار رو داری، از حال کامل استفاده میکنی و میگی:

I haven't visited my parents **this week**.

این هفته پدر و مادرمو ندیدم. (اما هنوز هفته تموم نشده و ممکنه برم ببینمشون)  
مثال های بیشتر:

I've read a lot this week, but I have to get the book completely finished by **this weekend**.

من این هفته زیاد مطالعه کردم، اما باید تا آخر این هفته کتابو کامل تموم کنم.

It was so hot today that I wore shorts and a T-shirt at work.

امروز خیلی گرم بود که من سر کار شلوارک و تیشرت پوشیدم. (شب شده دیگه طرف داره واسه زنش تعریف میکنه)

## نکته ۱۵۳:

سه تا فعل زیرو یادتون باشه:

**understand** یعنی فهمیدن، **think** یعنی فکر کردن، **regret** تأسف خوردن

این فعل ها حالت های ذهنی رو توصیف میکنن.

شما با ذهنتون میفهمید با دستتون که نمیفهمید که! شما با ذهنتون فکر

میکنین، با شست پاتون که فکر نمیکنین که!

شما با ذهنتون احساس تأسف یا پشیمونی میکنین، با ناخن دست راستتون که

اینکارو نمیکنین!

خب حالا هر وقت بخوایم بگیم که

به تازگی شروع به تأسف خوردن در مورد موضوعی کردیم.

به تازگی شروع به فکر کردن در مورد موضوعی کردیم.

به تازگی شروع به فهمیدن چیزی کردیم.  
میتونیم از شکل ing دار این فعل ها استفاده کنیم!  
درسته اینا فعل های حسی هستن ولی تو این حالت ing میگیرن.  
مثلاً:

**I regret** that the company will have to be sold.

متأسفم که این شرکت فروخته خواهد شد. ( طرف تصمیمشو گرفته و از این نظر متأسفه )

**I'm regretting** my decision to sell the company.

دارم از این تصمیم که شرکت رو میفروشم تاسف میخورم. ( حالا طرف هر چی میگذره بیشتر تأسف میخوره از تصمیم اشتباهی که گرفته )

**I'm understanding** English a lot better now.

تازه دارم بهتر زبان رو میفهمم. ( طرف بعد از سالها اومده توی پیج من و شروع کرده به فهمیدن زبان )

**I'm thinking** of studying English these days.

این روزا به یادگیری زبان فکر میکنم. ( طرف تازه شروع کرده به فکر کردن که اگه زبان یاد بگیره بد نیست مثلاً. بفکر چجوری یاد گرفتن نیست. چون این بخشش راحت، سهیل سام بهش میگه. اول باید تصمیم بگیره.)

## نکته ۱۵۴: ————— ➤

**Since**

توی جمله وقتی یه عبارت زمانی با **since** داریم، معمولاً فعل عبارتی که با **since** میاد رو گذشته ساده میاریم و فعل جمله اصلی رو با حال کامل. یعنی چی!؟

قسمت اول جمله رو میگن عبارت زمانی با **since**

یعنی عبارتی که با **since** اومده و زمان هم داره.  
 خب اینجور وقتاً معمولاً فعل این عبارت گذشته میاد و قسمت دوم جمله حال کامل.

**Since** she broke her arm, she hasn't been able to play tennis.

از زمانی که دستش رو شکست، دیگه نتونسته تنیس بازی کنه.

**Since** she fell in the river, she hasn't wanted to go swimming.

از زمانی که افتاد توی رودخونه، دیگه نخواسته بره شنا کنه.

خب حالا اگه جمله اصلی رو اول بیاریم، دیگه نیازی نیست کاما بزاریم. ببینید:

She hasn't been able to play tennis since she broke her arm.

She hasn't wanted to go swimming since she fell in the river.

## نکته ۱۵۵: ➡

حالا اگه هر دوتا موقعیتی که توی عبارت اصلی و زمانی میاریم، هردوشون، تا زمان حال ادامه داشته باشن، توی این حالت، فعل عبارت زمانی رو هم باید به صورت حال کامل بیاریم.

Have you met any of your neighbors **since** you've lived here?

از زمانی که اینجا زندگی میکنی تا حالا هیچکدوم از همسایه هاتو دیدی؟  
 خب زندگی کردن طرف هنوز ادامه داره، و بدون شک احتمال دیدن همسایه ها هست.

هر دو توی زمان حال هم ادامه دارن!

**Since** I have been able to drive, I have felt much more independent.

از زمانی که تونستم رانندگی کنم تا حالا، احساس مستقل بودن بیشتری کردم.  
 طرف در حال حاضر هم مشغول رانندگیه، خب بدون شک احساس مستقل

بودنش هم ادامه داره دیگه!

Ali's reading has improved **since** he has been at school.

خوندن علی از زمانی که رفته مدرسه پیشرفت کرده.

طرف در حال حاضر هم داره مدرسه میره، خب خوندشم در حال حاضر با مدرسه رفتنش در حال پیشرفته.

## نکته ۱۵۶: ➤

**as ... as**

ما از این الگو برای گفتن اینکه آدمها یا چیزهای مورد نظرمون در یه زمینه ای با هم برابر هستند استفاده میکنیم.

She's **as** tall **as** her brother.

قد اون به اندازه برادرشه، به اندازه برادرش قدش بلنده، قدشون یه اندازه س، هم قد هستن!

Is it **as** good **as** you expected?

به اون اندازه ای که انتظار داشتی خوب هست؟

She speaks Spanish **as** well **as** the rest of us .

به خوبی بقیه مون اسپانیایی صحبت میکنه. ( همون قدر که ما خوب اسپانیایی حرف میزنیم اونم خوب حرف میزنه )

حالا همینو اگه بخوایم منفی کنیم خیلی راحت بعد از فعل to be ، not میاریم.

He's not **as** kind **as** his father is.

اون به اندازه باباش مهربون نیست.

توی حالت منفی ما میتونیم از so هم به جای as اول استفاده کنیم که البته غیررسمیه.

He's not **so** friendly **as** his father is.

## نکته ۱۵۷: ➤

### Needn't

#### Don't have to

خب هر دو زمانی به کار میرن که بخوایم بگیم ضرورتی نداره فلان کار انجام بشه.

You **needn't** be shy .

You **don't have to** be shy.

لزومی نداره خجالتی باشی.

اما یه نکته ریز این وسط هست!

اگه اون چیزی که ضرورت نداره رو خود شخصی که داره صحبت میکنه تعیین کنه، ترجیحاً از **needn't** استفاده میکنیم.

مثلاً دیروز سرکار بودی، اضافه کار وایسادی، سخت کار کردی، حالا رئیس میاد تو اتاق و بهت میگه:

As you worked late yesterday you **needn't** come in until 9:00 tomorrow morning.

دیروز تا دیر وقت کار کردی لزومی نداره فردا صبح تا نه بیای سر کار.

رئیس داره تصمیم میگیره، خودش داره الزام رو مشخص میکنه!

حالا اگه ضرورت و الزام رو کسی دیگه برای یه سری آدم تعیین کنه، ترجیحاً از **don't have to** استفاده میکنیم.

با همکارت تو اتاق نشست، دارید حرف میزنن، همکارت میگه:

We've been told that we **don't have to** be at work until 10:00 tomorrow morning.

بهمون گفته شده که لزومی نداره تا قبل از ساعت ده صبح فردا سر کار حاضر باشیم.

اینجا یه نفر برای تمام همکارا تعیین تکلیف کرده.

### نکته ۱۵۸:

یه کاربرد جالب **will** و **would**

وقتی بخوایم توی محاوره، از عادت و رفتارهای یه نفر انتقاد کنیم میتونیم از **will** یا **would** استفاده کنیم.  
مثلاً:

She just **won't** do the washing up when I ask her.

هر وقت ازش میخوام ظرفهارو بشوره از این کار خودداری میکنه.

I was happy when Mehran left. He **would** talk about people behind their backs.

خوشحال شدم مهران رفت. همش پشت سر مردم حرف میزد.

When Akbar was young he **wouldn't** eat vegetables.

وقتی اکبر جوون بود سبزیجات نمیخورد.

### نکته ۱۵۹:

وقتی میخوایم مستقیم از کسی گله و شکایت کنیم، یا نارضایتی خودمونو از کاری که انجام داده یا دائماً داره انجام میده ابراز کنیم میتونیم از **will** استفاده کنیم.

طرف میگه:

" I feel sick. "

شما میگی:

" Well, if you **will** eat so much, I'm not surprised. "

خب، وقتی اینقدر میخوری، عجیب نیست.

مثلاً:

" I think I'm putting on weight. "

فکر کنم دارم وزن اضافه میکنم.

" Well, if you **will** drive everywhere instead of walking, I'm not surprised. "

خب، وقتی به جای پیاده رفتن همه جارو با ماشین میری، چیز عجیبی نیست.

" I've got a headache. "

سردرد دارم.

" Well, if you **will** spend so long in front of the television, I'm not surprised. "

خب، وقتی این همه وقت رو جلوی تلویزیون میگذرونی، عجیب نیست.

## نکته ۱۶۰: ➤

وقتی کسی کاری رو که فکر میکردیم حتماً انجام میده، انجام نده، برای شکایت

**might have + p.p**

و انتقاد از اون میتونیم از

**could have + p.p**

استفاده کنیم.

مثلاً

She's gone without us. She **might/could have** waited.

اون بدون ما رفته . باید منتظر ما می موند.

You **might/could have** done the ironing instead of leaving it all to me.

تو باید اتو کشیدن رو خودت انجام میدادی نه اینکه همه رو بزاری برای من.



## نکته ۱۶۱: ————— ➤

### Simple past

#### Past continuous

وقتی بخوایم در مورد کارهایی صحبت کنیم که در گذشته تکرار شون کردیم، از گذشته ساده استفاده میکنیم.

We **went** to Spain three times last year.

پارسال سه بار رفتیم اسپانیا.

I **drove** past her house every day.

من هر روز با ماشین از جلوی خونه ش رد میشدم.

اما وقتی بخوایم تأکید کنیم که کاری برای مدتی محدود و موقت در گذشته تکرار شده میتونیم از گذشته استمراری استفاده کنیم.

When Akbar was in hospital, we **were visiting** him twice a day.

وقتی اکبر بیمارستان بود، دوبار در روز اونو ملاقات میکردیم.

To lose weight before the race, I **wasn't eating** any sweets for weeks.

قبل از مسابقه برای کم کردن وزن خودم، تا چند هفته اصلاً شیرینی نمیخوردم. دقت کنین همیشه گذشته ساده هم استفاده کرد ولی با گذشته استمراری تأکید ما بیشتره.

زمانی هم که بخوایم در مورد موضوعی صحبت کنیم که برخلاف رسم و عادات معمول ما انجام شده، میتونیم از گذشته استمراری استفاده کنیم:

Last week I **was having** to bring work home every night to get it all done.

هفته پیش مجبور شدم هر شب کار رو بیارم خونه تا همه رو اونجا انجام بدم.

When the builders were here I **was making** them cups of tea all

the time.

وقتی که کارگرها اینجا بودن همش براشون چای درست می کردم.

## نکته ۱۶۲:

تفاوت **one another** و **each other**

تفاوت

each other

و

one another

اولی به رابطه ی دو نفر اشاره می‌کنه.

دومی معمولا به رابطه میان چند نفر اشاره داره.

بریم مثال :

The girls looked at **each other**.

دخترها بهم نگاه کردن.

دوتا دختر بودن ، به هم نگاه کردن و تمام.

We talked to **each other**.

ما با هم صحبت کردیم.

The children get on well with **one another**.

بچه ها با هم دیگه خوب کنار میان و رابطه ی خوبی دارن.

چند نفرن ، با هم خوب کنار میان.

## نکته ۱۶۳:

حال استمراری چیه ؟!

وقتی بخوای بگی الان داری چیکار میکنی از حال استمراری استفاده میکنی.

الگوشم ساده س:

**am / is / are + فعل + ing**

مثلاً میخوای بگی الان دارم کار میکنم.

**I am working.**

الان بارون نمیاره.

**It is not raining.**

الان داری چیکار میکنی ؟

**What are you doing?**

الان دارم میرم خونه.

**I am going home.**

حالا اینو که بلد باشی گذشته استمراری هم بلدی، به خدا!  
گذشته استمراری یعنی چی؟ فلان ساعت، فلان موقع، داشتی چیکار میکردی،  
وسط پروسه ی انجام چه کاری بودی ...

**was/were + فعل + ing**

دیشب ساعت ده داشتیم زبان میخوندم. ( وسط پروسه زبان خوندن بودم )

**I was studying English at 10 last night.**

ساعت سه داشتی چیکار میکردی ؟

**What were you doing at 3:00 o'clock?**

پارسال داشتی کجا زندگی میکردی ؟

**Where were you living last year?**



نکته ۱۶۴:

**used to** کاربرد

هر وقت بخوایم بگیم قبلاً چه کاری رو انجام میدادیم ولی الان انجام نمیدیم، به

چیزی رو قبلاً داشتیم ولی الان دیگه نداریم.  
 قبلاً شاگرد بقالی بودم الان دکترم.  
 قبلاً موی بلند داشتم الان موهام کوتاهه.  
 بچه که بودم شکلات دوست داشتم، الان آبنبات دوست دارم.  
 قبلاً پیانو داشتم، اما فروختمش چون پول لازم بودم.  
 دقت کنین، اصلاً منظور ما عادت داشتن به کاری یا چیز خاصی نیست، با  
 عادت، کاری نداریم.  
 اینجور وقتاً از **used to** استفاده میکنیم، برای تمام فاعل ها و ضمائر فاعلی هم  
 همین استفاده میشه بدون هیچ تغییری.

**I used to work in a factory. Now I work in a supermarket.**

قبلاً تو یه کارخونه کار میکردم. الان توی یه سوپر مارکت کار میکنم.

**When I was a child, I used to like chocolate.**

وقتی بچه بودم، شکلات دوست داشتم.

**I used to read a lot of books.**

قبلاً کتاب زیاد میخوندم.

**Akbar used to have a piano.**

اکبر قبلاً یه پیانو داشت.

## نکته ۱۶۵: ————— ➤

حالا اگه یه کاری رو قبلاً انجام نمیدادی ولی الان داری انجام میدی از حالت  
 منفی همین **used to** استفاده کن!

**I didn't use to like tomatoes, but I like them now.**

قبلاً گوجه دوست نداشتم، اما الان دوست دارم.  
 دقت کن **didn't** که میاد **ed** آخر فعل حذف میشه.

I didn't **use to** have long hair, but I have long hair now.

قبلاً موی بلند نداشتم، اما الان دارم.

### نکته ۱۶۶:

دقت کن **used to** فقط طوطی برای گذشته س، ما چیزی مثل **use to** نداریم.  
اگه کاری رو الان داری انجام میدی قشنگ با حال ساده بگو.

I **used to** play tennis. Now I play golf.

قبلاً تنیس بازی میکردم . الان گلف بازی میکنم.  
اینجوری نمیگیم:

I **used to** play tennis. Now I ~~use to~~ play golf.

مثال بعدی:

I **used to** get up late in the morning. Now I usually get up early.

من قبلاً صبحها دیر بیدار میشدم . الان معمولاً زود از خواب بیدار میشم.  
نمیگیم:

I **used to** get up late in the morning. Now I ~~use to~~ get up early.

### نکته ۱۶۷:

**the ... the better**

یه گرامر بسیار کاربردی و ساده! کافیه صفات مقایسه ای رو بلد باشید!  
مثلاً میخوایم بگیم هرچی بزرگتر بهتر.

**The bigger the better.**

هرچی زودتر بهتر.

**The sooner the better.**

هرچی ارزون تر بهتر.

**The cheaper the better.**

هرچی راحت تر بهتر.

**The more comfortable the better.**

حالا ببین چجوری استفاده میشه:

'What kind of box do you want?' 'The bigger the better.'

فروشنده میگه چه نوع جعبه ای میخوای؟ میگی هرچی بزرگتر بهتر.

مثلاً زنگ زدی برای تاکسی، طرف میگه:

Do you want it right now?

همین الان میخوای؟

**Yes, the sooner the better.**

بله هرچی زودتر بهتر.

نکته ۱۶۸: ➤

وقتی میخوایم بگیم یه چیزی به چیز دیگه ای بستگی داره، میتونیم از همین

گرامر **the ... the ...** استفاده کنیم.

مثلاً هرچی هوا گرمتر باشه شما حس بهتری داری، میگی:

**The warmer the weather, the better I feel.**

احساس شما وابسته س به گرمای هوا.

مثلاً هرچی شما زودتر راه بیوفتی زودتر میرسی، میگی:

**The sooner we leave, the earlier we will arrive.**

هرچی زودتر بریم، زودتر میرسیم.

مثلاً هرچی شما جوونتر باشی، یادگیری راحت تره. در حقیقت یادگیری به سن

و سال وابسته س ( البته در مورد یادگیری زبان با من اینطور نیست ) میگی:

**The younger you are, the easier it is to learn.**

هرچی هتل گرون تر باشه، سرویشم بهتره. یعنی سرویس دهی هتل به گرون بودنش وابسته س، پس:

The more expensive the hotel, the better the service.

حتی میتونه جمله مون گذشته باشه:

هرچی بیشتر در مورد برنامه فکر کردم، کمتر خوشم میومد ازش.

The more I thought about the plan, the less I liked it.

بعد از the more و the less دوتا جمله به زمان گذشته اومده.

The more I get to know him the more I like him.

هرچی بیشتر میبینمش بیشتر ازش خوشم میاد.

## نکته ۱۶۹: ————— ➤

تفاوت **older** و **elder**.

خب صفت مقایسه ای **old** میشه **older**

وقتی بخوایم دوتا چیز رو از لحاظ سنی با هم مقایسه کنیم مثلاً:

This watch is older than that watch.

این ساعت قدیمی تر از اون یکیه.

Akbar is older than his best friend.

اکبر از بهترین دوستش بزرگتره.

حالا وقتی بخوای بگی مثلاً خواهر بزرگ من، برادر بزرگ تو، دختر بزرگم،

پسر بزرگم، همسر بزرگم!!! یعنی صحبت از اعضای خانواده باشه، میتونی هم از

**older** استفاده کنی هم از **elder**.

My **elder** sister is a doctor.

My **older** sister is a doctor.

خواهر بزرگم به دکتره.

اما،،،،، وقتی می‌خواهیم بگیم یکی از یکی بزرگتره نمیتونیم از elder استفاده کنیم.  
یعنی

My sister is older than me.

اما نمیتونیم بگیم

My sister is ~~elder than me~~.

## نکته ۱۷۰: ➤

**not as ... as**

اکبر و جعفر و اصغر سه تا رفیقن!

سه تاشون پولدارن!

اکبر ۱ میلیارد داره.

جعفر ۲ میلیارد داره.

اصغر ۳ میلیارد داره.

میگیم:

Jafar is richer than Akbar.

جعفر از اکبر پولدارتره.

اما جعفر از اصغر پولدارتر نیست، به عبارتی جعفر به اندازه ی اصغر پول نداره

که، پس میگیم:

Jafar is **not as rich as** Asghar.

این یعنی همون:

Asghar is richer than Jafar.

مثال های بعدی رو ببین:

Ali **isn't as old as** he looks.

علی به اون اندازه ای که بنظر میرسه، پیر نیست. (یعنی پیرتر از سنش بنظر



میرسه.)

The town center **wasn't as** crowded **as** usual.

مرکز شهر به اون اندازه ای که معمولاً باید باشه شلوغ نبود. ( معمولاً شلوغ تره )

The weather is better today. **It's not as** cold **as** yesterday.

هوا امروز بهتره. به اندازه ی دیروز سرد نیست. ( یعنی دیروز سردتر بود )

حالا میتونیم بین دوتا **as** قید هم بیاریم:

Ali **didn't do as** well in the exam **as** he had hoped.

علی به اون اندازه ای که امیدوار بود امتحانشو خوب نداد.

اینجا قبل از **as** فعل اصلی داریم و اون قید **well** برمیگرده به اون فعل اصلی.

میتونیم بین دوتا **as** اسم بیاریم:

I **don't know as** many people **as** you do.

من اونقدری که تو آدم میشناسی کسی رو نمیشناسم.

میشه به جای **as ... as not** از **as ... as not so** هم استفاده کرد.

## نکته ۱۷۱: ➡

**less ... than**

این الگو خیلی شبیه همون **as ... as not** هست!

مثلاً میگی:

I spent **less** money **than** you (I didn't spend as much money as you).

من کمتر از تو پول خرج کردم.

The city center was **less** crowded **than** usual.

مرکز شهر خلوت تر از حالت عالی بود.

## نکته ۱۷۲:

### in order to

همیشه بعدش شکل ساده فعل میاد تا از هدف یه چیزی صحبت بکنیم.

بیشتر توی نوشتار استفاده میشه.

دوتا عبارت قبل و بعد خودشو بهم ربط میده.

عبارت قبلش، همیشه عبارت اصلیه. توی این عبارت یه کاری انجام میشه که

برای رسیدن به هدفه.

هدف چیه؟؟ همون عبارتی که بعد از **in order to** میاد.

مثال رو ببین:

We all need stress in order to do our best work.

الان دوتا عبارت به هم وصل شده.

عبارت اول اصلیه، چه کاری داخلش انجام میشه؟ میگه ما همه به استرس نیاز داریم.

که چی بشه؟! عبارت دوم، تا کارمونو به بهترین نحو انجام بدیم.

برای منفی کردن این عبارت یه **not** میاریم قبل از **to**.

They never parked the big van in front of the house **in order not to** upset the neighbors.

اونا هیچ وقت اون ون بزرگ رو جلوی خونه پارک نمیکنن تا همسایه هارو

ناراحت نکنن.

## نکته ۱۷۳:

میخوایم بگیم فلان چیز دو برابر از بهمان چیز گرون تره.

twice as ... as کمک میگیریم.

This car is **twice as expensive as** my car.

این ماشین از ماشین من دو برابر گرون تره.

مثال بعدی:

This motorcycle is **twice as** faster **as** my car.

این موتور از ماشین من دو برابر سریعتره.  
پس twice میاد قبل as ... as و اون وسط هم که صفت رو میذاریم.

حالا میخوایم بگیم سه برابر فلان تره، کافیه بگیم:

Three times as ... as

Their house is about **three times as** big **as** ours.

خونه ی اونا از خونه ی ما سه برابر بزرگتره.

#### نکته ۱۷۴: ————— ➤

**the same as**

فلان چیز + is the same as + فلان چیز

وقتی بخوایم بگیم یه چیزی با یه چیز دیگه ای یکسانه، شبیه، هم اندازه س!  
مثلاً شما و رفیقت هر دو موهای مشکی دارید، میخوای به رفیقت بگی موهامون به هم شبیه، میگی:

You and I both have black hair. Your hair **is the same as** mine.

مثال بعدی:

Akbar's salary **is the same as** my salary.

حقوق من و اکبر اندازه ی همه.

My birthday is 5 April. It's Ali's birthday too. My birthday **is the same as** Ali's.

تولد من ۵ آوریل، تولد علی هم همون روزه . تولد من و علی توی یه روز یکسانه.

نکته ۱۷۵: ➤

**than me / than I am**

برای این نکته نیازه ضمائر مفعولی رو مرور کنیم.

ضمیر کلمه ایه که جای اسم میشینه.

ضمیر فاعلی جای فاعل جمله میاد که کننده کاره.

ضمیر فاعلی	ضمیر مفعولی
I	Me
He	Him
She	Her
We	Us
You	You
They	Them

ضمیر مفعولی جای مفعول میشینه که روی اون کار انجام میشه.

میخواه بگی تو از من بلند قدتری :

**You're taller than me.**

حالا یهو ضمیر مفعولی یادت رفت، هوووول نشووووو، میتونی بگی :

**You're taller than I am.**

یعنی تو از این چیزی که من هستم قد بلندتری.

یه مثال دیگه :

**We were very surprised. Nobody was more surprised than us.**

ما خیلی سورپرایز شده بودیم. هیشکی بیش از ما سورپرایز نشده بود.

یا میتونی بگی:

**We were very surprised. Nobody was more surprised than we were.**

ما خیلی سورپرایز شده بودیم. هیشکی بیش از اون چیزی که ما سورپرایز بودیم، سورپرایز نبود.

I'm a better player **than her**.

من ازش بازیکن بهتری هستم.

I'm a better player **than she is**.

من از اون چیزی که اون هست بازیکن بهتری هستم.

## نکته ۱۷۶: ————— ➤

**remember to do**

**remember doing**

خب میدونین فرق این دوتا چیه؟!

remember از اون فعل هایی هست که بعدش هم فعل ing دار میاد هم مصدر با to.

اما کاربردهاشون فرق میکنه.

با مثال براتون میگم:

**Remember to bring your book.**

یادت باشه کتابتو بیاری.

اول یادت باشه، دوم کتابتو بیار.

پس معمولاً وقتی صحبت در مورد آینده باشه، از این الگو استفاده میشه. حالا:

**I remember meeting my best friend when I was 15.**

یادمه وقتی ۱۵ سالم بود بهترین دوستمو دیدم.

اول بهترین دوستشو دیده. ( قبلاً، توی گذشته )

الان یادشه! الان دیگه واسش خاطره س.

پس از این الگو وقتی صحبت در مورد گذشته باشه استفاده میشه.

مثال بیشتر:

**Remember to get up** early in the morning.

یادت باشه صبح زود بیدار شی.

اول یادت باشه.

بعد زود بیدار شو.

**I remember getting up** early in the morning when I went to school.

یادمه وقتی میرفتم مدرسه صبح زود از خواب بیدار میشدم.

یادشه، خاطره .

اول صبح ها زود بیدار میشدم.

الان یادشه!

**I remember going** shopping this morning.

یادمه امروز صبح رفتم خرید.

اول رفته خرید ( گذشته )

الان داره به یاد میاره!

## نکته ۱۷۷:

چهار تا نکته در مورد **do** و **make**

۱- ما وقتی چیزی درست میکنیم از **make** استفاده میکنیم.

مثلاً:

**I made** this cake.

من این کیک رو درست کردم.

۲- برای صحبت کردن در مورد یه فعالیت از **do** استفاده میکنیم.

" What are you doing? "

" I'm doing my homework. "

داری چیکار میکنی؟

دارم تکالیفمو انجام میدم.

۳- وقتی یه چیزی باعث یه عکس العمل درون ما میشه، وقتی یه چیزی باعث میشه ما بخوایم یه کاری رو انجام بدیم از make استفاده میکنیم:

This music really makes me want to sing.

این آهنگ داره کاری با من میکنه که میخوام بخونم.

اینقدر باحاله، باعث شده من دلم بخواد بخونم.

۴- برای صحبت درباره ی فعالیت های عمومی و کلی هم میتونیم از do استفاده کنیم.

" What are you doing tomorrow? "

" I'm not doing anything. "

فردا چیکاره ای؟

هیچ کاری نمیکنم.



## نکته ۱۷۸:

**Have to**

**Must**

هردوشون برای تعهد و اجبار استفاده میشن.

باید فلان کارو انجام بدی، باید بری فلان جا!

اما کاربردشون فرق داره.

وقتی این اجبارهارو دیگران برامون تعیین کنن از have to استفاده میکنیم.

مثل قوانین.

و اینا نمیتونن تغییر کنن.

We **have to** show our passes to enter the building.

ما برای وارد شدن به ساختمان باید کارت هامونو نشون بدم.  
این قانونه، رییس اون شرکت یا ساختمون تعیین کرده!  
اما از must وقتی خودمون برای خودمون اجبار و قانون تعیین کنیم، یا خودمون  
برای بقیه قانون بزاریم استفاده میکنیم.  
مثلاً رئیسست میاد بهت میگه:

You **must** be more organized.

باید بیشتر مرتب و منظم باشی.  
یا خودت برای خودت قانون میزاری که آقا!!!:

I **must** exercise more often.

من باید بیشتر ورزش کنم.

## نکته ۱۷۹: ➡

**stop doing something**

**stop to do something**

میدونین فرق این دوتا چیه؟!  
با مثال یاد بگیریم!

They **stopped playing** soccer and rested.

وقتی بعد از stop فعل ing دار بیاریم، در حقیقت به این معنیه که اون فعلی  
که ing گرفته متوقف میشه و دیگه انجام نمیشه! یعنی چی؟! میگه:  
اونا فوتبال بازی کردن رو متوقف کردن و استراحت کردن.

Akbar has finally **stopped smoking**.

اکبر در نهایت سیگار کشیدن رو متوقف کرد.  
وقتی بعد از stop مصدر با to بیاریم، یعنی هرکاری رو که در حال انجامش



هستیم رو متوقف میکنیم تا اون عملی که با مصدر با to اومده رو انجام بدیم.

After about an hour of playing soccer, they **stopped to rest**.

بعد از حدود یک ساعت فوتبال بازی کردن، اونا وایسادن تا استراحت کنن. یعنی دیگه فوتبال بازی کردن رو متوقف کردن تا استراحت کنن.

I was watching TV but I stopped to do my homework.

داشتم تلویزیون میدیدم اما متوقفش کردم تا تکالیفمو انجام بدم.

## نکته ۱۸۰: ➤

### wish

چجوری از wish استفاده کنیم!؟

اول اینکه ما زمانی از wish عزیز استفاده میکنیم که بخوایم در مورد موقعیت هایی که توی تخیل ما هستن و واقعی نیستن صحبت کنیم. حالا اگه صحبتمون در مورد زمان حاله، کافیه بعد از wish شکل گذشته‌ی فعل رو بیاریم، ولی مفهوم جمله مال زمان حاله.

I **wish I had** a car.

ای کاش یه ماشین داشتم.

I don't have my umbrella. I **wish I had** my umbrella.

من چترمو ندارم. ای کاش چتر داشتم.

She doesn't know the answer. I **wish she knew** the answer.

اون جواب رو نمیدونه. ای کاش جواب رو میدونست.

اگه صحبتمون در مورد زمان گذشته‌ی س، کافیه بعد از wish از گذشته کامل استفاده کنیم.

I **wish I had gone** there.

ای کاش رفته بودم اونجا.

I'm so tired. I **wish I had slept** for another hour last night.

من خیلی خسته ام. ای کاش دیشب یه ساعت دیگه خوابیده بودم.

You were right. I shouldn't have quit my job. I **wish I had listened** to you.

حق با تو بود. نباید کارمو ول میکردم. ای کاش بهت گوش داده بودم.

### نکته ۱۸۱:

یکی از کاربردهای will

یه کاربرد جالب will زمانی هست که بخوایم در مورد یه موضوعی نتیجه گیری کنیم یا در مورد یه موضوعی که مربوط به زمان حال میشه یه حدسی بزنیم. مثلا:

Akbar will be at home by now. Let's go and see him.

اکبر تا حالا باید دیگه رسیده باشه خونه. بیا بریم ببینیمش.

You will know that Akbar and Sekineh are engaged.

تو میدونی که اکبر و سکینه نامزد هستن. ( طرف باورش اینه که دوستش از قبل اینو میدونه )

### نکته ۱۸۲:

**can't wait**

وقتی شما در مورد یه چیزی که قراره اتفاق بیوفته خیلییییییی هیجان زده هستید، ما از این عبارت استفاده میکنیم. دقت کنین دوتا الگو داره.

یه وقت هست شما بشدت برای یه چیزی مشتاقید و هیجان زده، میگی:

I can't wait for something

یه وقت هست شما بشدت برای انجام یه کاری مشتاقید و هیجان زده، که می‌گیم:

I can't wait to do something

مثال هارو ببین:

I can't wait for tonight. I'm having a party!

من بشدت مشتاق امشب هستم، بی صبرانه منتظر امشبم . مهمونی دارم.

We can't wait to go to Shiraz.

یعنی ما بی صبرانه مشتاق رفتن به شیرازیم، یعنی اینقدر دوست داریم بریم شیراز که نمیتونیم صبر کنیم.

## نکته ۱۸۳: ➤

**person**

**persons**

**people**

**peoples**

**person** به یه شخص اشاره داره، میتونه یه مرد باشه، یه زن باشه، یه بچه باشه! یه اسم مفرد قابل شمارشه.

There was one **person** at the door.

یه نفر پشت در بود.

She's a very interesting **person**. You should talk to her.

اون دختر خیلی جالبیه. باید باهاش حرف بزنی.

**people** شکل جمع **person** هست، اشاره به گروهی از آدمها داره.

There were three **people** at the door.

سه نفر پشت در بودن.

How many **people** do you know?

چند نفرو میشناسی؟

The **people** who live here are very rich.

آدمهایی که اینجا زندگی میکنند خیلی پولدارن.

peoples شکل جمع people هست وقتی که به معنی قوم و ملت باشه.

There are many **peoples** living on the earth.

ملت های زیادی روی کره زمین زندگی میکنند.

When the **peoples** of the Earth unite, we will have peace.

وقتی ملت های روی زمین با هم متحد بشن، ما آرامش خواهیم داشت.

persons شکل رسمی تر و مؤدبانه تر people هست و بیشتر هم توی

نوشته ها دیده میشه مثل روزنامه ها، دستورالعمل ها و ...

This lift can hold a maximum of 15 **persons**.

ظرفیت این آسانسور حداکثر ۱۵ نفره.

My client has never seen these **persons** before and so he is innocent.

موکل من هیچ وقت این آدمهارو قبلاً ندیده و بنابراین اون بی گناهِه.

## نکته ۱۸۴: ————— ➤

**mustn't**

**don't have to**

توی شکل مثبتشون هر دو برای بیان اجبار انجام یه کاری استفاده میشن.

اما توی حالت منفی کامل فرق دارن.

وقتی از **mustn't** استفاده میکنیم یعنی کاری نباید انجام بشه.

You **mustn't talk to** your mother like that

نباید با مادرت اونجوری صحبت کنی.

He **mustn't leave** the house until I come home.

تا زمانی که برگردم خونه اون نباید خونه رو ترک کنه.

We **mustn't** eat any more chocolate.

ما دیگه نباید شکلات بیشتری بخوریم.

اما وقتی از don't have to استفاده میشه، انتخاب با خودمونه که اون کارو انجام بدیم یا نه، انتخاب آزادانه س! هیچ اجباری در کار نیست.

You **don't have to** go school if you are sick.

اگه مریضی اجباری نیست بری مدرسه. ( انتخاب با خودته، میتونی بری میتونی نری )

She **doesn't have to** come to the party, if she doesn't want to.

اگه نمیخواد، اجباری نیست بیاد مهمونی. ( طرف میتونه بیاد میتونه نیاد، دست خودش )

## نکته ۱۸۵: ————— ➤

**steal**

**rob**

هر دو به سرقت اشاره دارن!

اما، steal تمرکزش روی چیزیه که به سرقت میره، مثل گوشی، ماشین، پول.

Somebody **stole** my phone.

یه نفر گوشی منو دزدید.

ولی rob تمرکزش روی مکان یا کسی هست که قربانی سرقت واقع شده است.

The men **robbed** the bank last night.

اون مردها دیشب بانک رو مورد سرقت قرار دادن. ( بانک اینجا قربانی سرقت شده، از بانک سرقت شده )

Three guys **robbed** me when I was walking

وقتی داشتم راه میرفتم سه نفر از من سرقت کردن. ( من قربانی سرقت شدم )  
پس اشتباهه بگیریم:

Somebody ~~robbed~~ my money.

The men ~~stole~~ the house.

### نکته ۱۸۶: ➡

پنج راه استفاده از in به همراه اصطلاحات زمانی

۱- به همراه ماهها

I'm going on holiday **in May**.

توی ماه می میرم تعطیلات.

۲- به همراه فصل ها

**In winter**, it's cold.

توی زمستون، هوا سرده.

۳- به همراه سال ها

I finished school **in 2000**.

من مدرسه رو سال ۲۰۰۰ تموم کردم.

۴- بیشتر اوقات روز

I leave home **in the morning**.

I get home **in the evening**.

اما!!!! برای **night** از **at** استفاده میکنیم، استثناس!

۵- استفاده با **in the present** , **in the past** و **in the future**

**In the past**, people died much younger.

You need to learn to live **in the present**.

**In the future**, you'll learn everything from videos.

## نکته ۱۸۷: ————— ➤

### Be going to

#### Present continuous

هر دو در مورد برنامه های آینده صحبت میکنند.

تفاوت این دوتا رو با مثال براتون میگم:

**I'm going to meet my friends this weekend.**

من قصد دارم دوستانمو آخر هفته ببینم.

اما تو این حالت مکانی که میخواین برید مشخص نیست، زمانی که میخواین برید مشخص نیست، حتی احتمالاً کنسل شدنش هم هست، فقط با دوستاتون لفظی هماهنگ کردین آخر هفته همو ببینید!

**I'm meeting my friends this weekend.**

من دوستانمو آخر هفته میبینم.

این یعنی من با دوستانم هماهنگ کردم که آخر هفته همو ببینیم، حتی ممکنه جا و زمان هم مشخص شده باشه، یعنی داخل این حالت قطعیت بیشتری و احتمالاً کنسل شدن قرار کمتره!  
مثال بیشتر:

**He's going to fix his car later today.**

اون قراره امروز ماشینشو تعمیر کنه.

اما چیز مشخصی نیست، تایم مشخصی براش تعیین نکرده، حتماً قرار نیست انجام بشه، شاید امروز تعمیر نکنه اما! چنین تصمیمی داره!

**We're going to the park tonight.**

امشب میریم پارک.

تو این حالت قطعیت بیشتری، طرف هماهنگ کرده با فک و فامیل، ساعتشم شاید مشخصه و احتمالاً کنسل شدن خیلییییییییییییی کم!

## نکته ۱۸۸:

**even if**

**even though**

از **even though** برای صحبت در مورد چیزی که حقیقت دارد استفاده می‌کنیم.

البته ممکنه کمی غیرمنتظره هم باشه.

**Even though I hate driving, I'm still going to Tehran by car.**

اگرچه از رانندگی متنفرم، اما هنوز با ماشین میرم تهران.

طرف از رانندگی بدش میاد، این یه حقیقته و درسته، اما بازم با ماشین میره تهران و میاد و این کمی غیرمنتظره س برای ما که شنونده هستیم.

**Even though I hate tennis, I'm still going to watch the final.**

اگرچه از تنیس بدم میاد، اما هنوز میرم فینال رو ببینم.

از **even if** برای چیزهای فرضی استفاده می‌کنیم، پس ممکنه درست هم نباشن!

**Even if it's sunny when we're in Chamkhale, I'm not going swimming.**

حتی اگه وقتی چمخاله هستیم هوا آفتابی باشه، من شنا نمیکنم.

داره فرض می‌کنه که اگه هوا آفتابی هم باشه بازم نمیرم شنا کنم.

**Even if you paid me, I wouldn't watch that film.**

حتی اگه بهم پول هم بدی، اون فیلم رو نمیبینم.

## نکته ۱۸۹:

کلمه **time** غیرقابل شمارشه اگه به معنی زمان باشه، ولی اگه به معنای دفعه و مرتبه باشه قابل شمارشه و جمع بسته میشه.

We have spent too much **time** on this homework .



وقت زیادی رو روی این تکلیف صرف کردیم.

She has been late for class six **times** this semester.

اون این ترم ۶ مرتبه دیر رسیده به کلاس.

### نکته ۱۹۰:

کاربرد wish برای بیان آرزو در آینده

در این حالت میتونیم در قسمت دوم جمله از would ، could یا گذشته استمراری استفاده کنیم، چجوری ؟

We **wish** you **could** come to the party tonight.

ای کاش میتونستی امشب به مهمونی بیای. ( ولی نمیتونی )

I **wish** you **would** stop saying that.

ای کاش دیگه اون حرف رو نزن.

She **wishes** she were coming with us.

ای کاش با ما میومد. ( اما خب نمیداد )

### نکته ۱۹۱:

کاربرد wish با مصدر با to

وقتی بخوایم تمایلات خودمونو بیان کنیم میتونیم از این ساختار استفاده کنیم.  
یعنی وقتی بخوایم بگیم مایلیم فلان کارو انجام بدم. دقت کنین این حالت خیلی رسمیه!

I **wish** to speak to the manager.

یعنی مایلیم با مدیر صحبت کنم.

اینجا مثل

I would like to speak to the manager.

هست.

I **wish** to go now .

مایلم الان برم.

### نکته ۱۹۲:

یه الگوی کاربردی دیگه از wish

**wish + مصدر + to + مفعول**

مثلاً میخوای بگی امیدوارم تو این مقاله رو چاپ کنی:

I **wish** you to publish this article.

یا مثلاً میخوای بگی امیدوارم این آدمها برن.

I **wish** these people to leave .

### نکته ۱۹۳:

وقتی بخوای برای کسی چیزی رو آرزو کنی، میتونیم از این الگوی wish استفاده کنیم.

**wish + somebody + something**

مثلاً

I **wish** you all the best.

بهترین‌ها رو برات آرزو دارم.

I **wish** you the success.

برات موفقیت رو آرزو دارم.

I **wish** you a good luck in your new job.

توی کار جدیدت برات آرزوی موفقیت دارم.

## نکته ۱۹۴:

hope

wish

hope برای مواردی به کار میره که انجام اونا غیرممکن نیست.

We **hope** that they will come.

امیدواریم اونا بیان. ( مطمئن نیستیم میان یا نه )

اما wish روی آرزو تأکید داره، در حقیقت آرزوی انجام کاری رو کردن، کاری که انجام نشده یا نخواهد شد چون غیرممکنه.

We **wish** that they could come.

ای کاش اونا میومدن. ( میدونیم که نمیان )

We **hope** that they came yesterday.

امیدواریم اونا دیروز اومده باشن. ( نمیدونیم، مطمئن نیستیم، امیدواریم )

We **wish** that they had come yesterday.

ای کاش دیروز اومده بودن.

## نکته ۱۹۵:

alone و lonely

alone یعنی هیشکی دور و اطرافت نباشه، تنها باشی.

اما lonely یعنی تنها باشی و از تنها بودن احساس خوبی نداشته باشی، از اینکه تنهایی ناراحت باشی.

در حقیقت یعنی احساس تنهایی کردن.

مثال رو ببین حالشو ببر:

I like to be **alone** for short periods.

من دوست دارم برای مدت زمان های کوتاهی تنها باشم.

But after a few days I start getting **lonely**.

اما بعد از چند روز شروع میکنم به احساس تنهایی کردن.

## نکته ۱۹۶:

دوتا نکته در مورد alone

اول اینکه اگر قبل alone از all استفاده کنیم، تأکیدمون بیشتر میشه!

I was all **alone** last night.

دیشب تنهای تنها بودم.

After her husband died, she was all **alone**.

بعد از اینکه همسرش مرد، اون تنهای تنها بود.

دوم اینکه از alone نمیتونیم قبل از اسم استفاده کنیم، خب چیکار کنیم؟! از lone استفاده میکنیم!

The only green thing in the garden was a **lone** tree.

تنها چیز سبز توی باغ یه درخت تنها بود.

## نکته ۱۹۷:

کارد along و through

حرف اضافه‌ی along قبل از یه سری اسم مثل ، corridor ، river ، road line استفاده میشه.

کلاً بیشتر قبل چیزایی میاد که شکلشون دراز و باریک باشه.

مثل جاده که باریکه و دراز.

مثل رودخونه که باریکه و چی؟! دراز.

I saw her running **along** the road.

در حال دویدن در طول رودخانه دیدمش.  
ولی هر موقع که خواستیم در مورد یه بازه ی زمانی یا فعالیت صحبت کنیم مثلاً  
بگیم در طول قرن ها، در طول سفر، در طول وعده غذایی، اینجا از through  
استفاده میکنیم.

**Through the centuries**

در طول قرن ها  
اشتباهه بگیم:

**Along the centuries**

نکته ۱۹۸: ————— ➤

یه الگوی خیلییییی کاربردی توی گفت و گوهای محاوره ای آمریکایی ها رو  
یاد بگیریم.

**Just because ... (it) doesn't mean ...**

فقط بخاطر اینکه ... معنی نداره که ...  
مثلاً میخوای بگی: فقط بخاطر اینکه از من بزرگتری معنی نداره هرکاری دوست  
داری بکنی. ( دلیل نمیشه هرکاری دوست داری بکنی )

**Just because you're older than me it doesn't mean you can do  
what you like.**

مثال بعدی:

**Just because I'm your brother it doesn't mean you can keep  
asking me for money.**

فقط به این دلیل که داداشت هستم معنی نداره که هی از من پول بخوای.

## نکته ۱۹۹:

یه نکته کاربردی در مورد help  
این الگورو برای help یاد بگیرید.

### help + object + infinitive

مصدر میتونه با to بیاد میتونه بدون to بیاد.

یعنی چی؟! میخوای بگی میتونی کمکم کنی تا حلقه مو پیدا کنم؟ میگی:

Can you **help** me (to) find my ring?

Can you **help** me ~~finding~~ my ring?

مثال بعدی:

Thank you so much for **helping** us (to) repair the car.

خیلی ممنونم که توی تعمیر ماشین به ما کمک کردین.

بعد از for فعل رو باید ing دار بیاریم! اما اشتباهه بگیم:

Thank you so much for **helping** us ~~repairing~~ the car

مثال بعدی:

Our main task is to **help** the company (to) become popular.

وظیفه ی اصلی ما کمک به شرکت تا معروف بشه.

Our main task is to **help** the company ~~becoming~~ popular.

## نکته ۲۰۰:

I know it و I know تفاوت

بین این دو جواب کوتاه تفاوت وجود داره.

I know به یه حقیقت اشاره داره و میتونه با یه عبارت that ای کامل بشه.

عبارت that ای یعنی عبارتی که با that همراهه.

مثلاً دیر رسیدی سر کلاس، معلمت میگه:

You're late.

شما میگی:

**I know** (I know that I'm late).

اما I know it به یه چیییز اشاره داره که اون it اومده جای اون چیزه نشسته! یعنی چی؟ مثلاً داری درباره ی رستورانی که دیشب رفتی با رفیقت حرف میزنی:

I went to a nice restaurant called Haj Akbar last night.

حالا شما هم این رستوران رو میشناسی و قبلاً رفتی، میگی:

**I know it** (I know the restaurant).

